

منشور حقوق زن

و
وظایف وی
در اسلام

مؤلف
د. ابراهیم الناصر
مترجم
قریب الله مطیع

Ketabton.com

منشور حقوق زن و وظایف وی در اسلام

ترتیب دهنده

د. ابراهیم ناصر

ترجمه

قریب الله «مطبع»

بسم الله الرحمن الرحيم

مقدمه مترجم

شریعت اسلامی به مناسب ترین وجه کرامت و عدالت نسبت به زنان را بیان داشته و آنان را از جور و ستم جاهلیت نجات داده است، و عادلانه جنبه های مختلف انسانی و جنسی آنان اعم از دختر بودن، همسر بودن، مادر بودن و عضو جامعه بودن را محفوظ نموده است. مامکران نیستیم که در بعضی از جوامع مسلمانان و در زمان های مختلف، برخی از مسلمانان به نام دین برزن ظلم روا داشته و او را از حقوق مسلمش مانند آموزش مسایل دینی محروم، و درانتخاب شریک زندگی مورد رضایت خاطرش آزاد نگذاشته اند، لیکن این امور از عدم شعور صحیح دینی سرچشمه گرفته و جنبه عمومی ندارد. و همواره مسلمانانی بوده اند که منکر این اوضاع بوده و برای رفع آن تلاش نموده اند در حالیکه به همه هویدا است

که زن در جامعه نقش بسیار اساسی را به عهده دارد. چنانکه شاعر میگوید:

الأم مدرسة إذا اعددتها أعددت شعبا طيب الأعراق

«مادر مدرسه ای است که اگر آن را مهیا نمایی یک ملت پاک نهاد را ساخته ای». لیکن بعد از گشودن دروازه های تبادل فرهنگی با کشورهای غربی و شرقی غیرمسلمان، چیزهایی در جامعه اسلامی پدید آمد که قبلا وجود نداشت مانند: کارکردن زن در کارخانه ها و ادارات دولتی، و پیش نمودن زنان به مسایل سیاسی، و شرکت در مسایل انتخاباتی و..... زمانیکه مرد وزن به گونه مساوی باهم، بدون مراعات خصوصیت های ذاتی هر کدام، پاچاپای یکدیگر بگذارند و اختلاف ذاتی و فطری جنس خود را نادیده بگیرند، مسیر زندگی به اهداف واقعی خویش منتهی نمیگردد، چون دور از عقل و عدالت است که خداوند عز و جل بین دو جنس مختلف که مصالح ذاتی

آنها و مصالح جامعه مبنی بر اختلاف و تفاوت بین آنهاست، مساوات قایل شود، پس باید وظایفشان باهم فرق داشته باشد و عقل و عدل غیراین را نمی پذیرد.

زن نصف جامعه انسانی را تشکیل میدهد بلکه نصف مهمتر جامعه اند، پس باید در پرتو قانون الهی افراد جامعه را به کرامت، عدالت و رفع ستم نسبت به زنان فراخواند، تازنان بتوانند در مسایل آموزشی، تربیتی و شغل های متناسب با طبیعت و سرشت و شخصیت اجتماعی و توان جسمی و روحی و تحمل مسؤلیت های ویژه خویش، و انتخاب همسر و تشکیل خانواده و کانون زندگی مشترک، منصفانه به حقوق مسلم و متناسب خویش دست یابند، و چنین هم به نظر می رسد که مردم در پرتو حوادث و رویدادها خواهی نخواهی به تدریج به حکمت شریعت الهی درباره زن برمی گردند، حتی دشمنان نیز اعتراف می کنند که شریعت اسلامی

حقوق و احترامی به زنان داده است که به طور مطلق در هیچ یک از شریعت های دیگر و قوانین وضعی نیامده است. پس بر زن مسلمان لازم است که وحدت خانواده را رعایت کند و مرد نیز بر مبنای مسؤولیت ها و وظائف و تکالیفش در قبال همسرش این وحدت و این انسجام را حفظ کند. و در بیرون از منزل: زن باید حجاب راست مراعات نموده و از اختلاط با مردان و خود نمایی و زینت و زیورنمایی حذر نماید که این خود رمز سلامت جامعه از شیوع مسایل جنسی و بی بند و باری و بی سروسامانی است که جوامع غربی امروز در آن غرقند، اگر این مسایل در جامعه های مسلمانان بطور درست مراعات شود، دل ها از آلودگی ها و جامعه از گمراهی ها و منکرات پاک خواهد شد و عفت و حیا مصون خواهد ماند، زیرا اندازه زنان از ابتدال و بی بند و باری و مواضع تهمت دور

باشند، قوت و صلابت مردان بیشتر خواهد شد، در غیر آن این صورت قضیه برعکس خواهد گردید.

به امید ایجاد جامعه نوینی که خالی از هرگونه زشتی و فرومایگی های باشد که بیناد خانواده و جامعه را متزلزل می سازد.

قریب الله «مطیع»

qarib@maktoob.com

پیشگفتار

این منشور که با همکاری و کوشش های دهها تن از دانشمندان و اندیشمندان اسلامی تهیه و آماده گردیده است، موضع و موقف شریعت اسلامی را در مورد حقوق زن و مسائل مربوط به وی که در عصر حاضر قضیه مهمی در ساحات جوامع اسلامی بطور چشمگیر مطرح بوده و تمدن غرب مفتون آن گردیده، و غبار این فتنه بعضی از جوامع اسلامی و افکار برخی از فرزندان امت مسلمه را هم فرا گرفته است، بیان نموده و در دفاع از زن و حقوق وی، بسیاری از مسائل مربوط بوی را طبق اوضاع پر آشوب و فتنه انگیز عصر کنونی بطور دقیق بررسی کرده و بشکل مختصر و مستند آماده و تقدیم نموده است.

مقدمه

الحمد لله والصلاة والسلام وعلى رسول الله وعلى آله وصحبه أجمعين. این منشور موقف شریعت اسلامی را در مورد زن و حقوق وی در جامعه بیان می کند، حقوقی که در عصر حاضر قضیه داغ و مهمی بوده و پیرامون آن بحث و مناقشه در هر گوشه و کنار صورت می گیرد، چون غرب گرایی با جلوه های سراب ماندش در همه کشور های اسلامی گسترش یافته و می خواهند فرزندان این امت را به بیراهه بکشانند، این پیام دلسوزانه بخاطر پند و عبرت به فرزندان امت اسلامی تقدیم می شود تا فریب بی دینان و اغوا کنندگان را نخورده و روزی به دام آنها نیفتند، و باید بدانند که خداوند عزوجل دستور و قانونی را که برای بشریت وضع نموده موافق و مطابق و شایسته هر زمان و مکان بوده و رحمت و عطف خداوند شامل حال همه است.

سازمان ها و گروه های بین المللی غربی با دیدگاه های سکولرستی و مادی گرایی منحط و شهوانی شان، با همکاری و همدستی دولت های غربی، جهت هدف قراردادن ارزشهای والای اخلاقی این امت تصمیم گرفته اند تا بصورت آشکار و شتاب زده، دشمنی خود را صراحتا اعلام بدارند.

حالا که به همه، اسباب عجز و ناتوانی سیاستمداران در مقابل حملات و تجاوزات سیاسی و عسکری دشمن هویدا و قابل درک گردیده است، و در این مراحل حساس که امروز و فردا با آن مواجه هستیم، نباید دانشمندان و اندیشمندان امت اسلامی در برابر حملات فرهنگی و فکری دشمن نیز عاجزانه گوشه نشینی را اختیار کرده و واکنشی از خود نشان ندهند زیرا دشمن قبلا جبهات مستحکمی را در این روند تشکیل داده و جبهات معینی را در داخل امت اسلامی هدف حملات فرهنگی خویش قرار می دهند، تا

بدینوسیله باور و اعتماد فرزندان این امت را به شعائر دین شان تضعیف نمایند. شاید هم بتوانند روزی کشوری از کشورهای اسلامی را مورد حمله قرار داده نظام سیاسی آنرا از بین ببرند و یا نیروی عسکری آنرا از پا در آورده متلاشی سازند، لیکن تا وقتی که مسلمانان اطمینان و اعتماد شان را نسبت به دین مقدس شان از دست نداده باشند هرگز دشمن توان این را نخواهد داشت که بر ملت های مسلمان مسلط و مسیطر شود.

خداوند عز و جل می فرماید: ﴿وَدَّتْ طَّائِفَةٌ مِّنْ أَهْلِ الْكِتَابِ لَوْ يُضِلُّوكُمْ وَمَا يُضِلُّونَ إِلَّا أَنْفُسَهُمْ وَمَا يَشْعُرُونَ﴾

﴿آل عمران: ۶۹﴾

«گروهی از اهل کتاب آرزو داشتند کاش می شد شما را گمراه کنند و با القاء شبهه هایی در دیتان، شما را از اسلام برگردانند، ولی با این کارها جز خویشتن را گمراه نمی سازند و نمی فهمند.»

همچنان ﷺ می فرماید: ﴿وَدُّوْا لَوْ تَكْفُرُوْنَ كَمَا كَفَرُوْا فَتَكُوْنُوْنَ سَوَاءً﴾

النساء: ۸۹

«آنان دوست می دارند که شما کافر شوید همان گونه که خود کافر شده اند و (در کفر با ایشان) مساوی شوید».

این حقیقتی است که قرآن آنرا ثابت می کند و بدین ملحوظ موجب می شود تا مصلحان این امت گرد هم آمده با همدستی و همدلی و اتفاق نظر توطئه های شوم آنها را که در ساحات مختلف بویژه آنچه به زن تعلق می گیرد به امت اسلامی افشاء نموده از آن جلوگیری نمایند.

در جمع آوری این وثیقه نامه کوشش شده تا با ذکر دلیل بدون شرح مفصل آن بطور مختصر و فشرده به خوانندگان گرامی تقدیم گردد..

این منشور حاوی مطالب ذیل می باشد:

* سر آغاز و مقدمات اساسی.

* اصول و مقررات شرعی مربوط به حقوق زن و وظایفش .

* بینش توضیحی و تعلیلی به برخی از این اصول .

* سفارش ها و درخواست ها.



سرآغاز و مقدمات اساسی

در مورد حقوق زن و وظایف وی مبادی و مقدمات اساسی شرعی و واقعی وجود دارد که هرگونه ترکیب و اصول شرعی پیرامون آن را مورد بحث و بررسی قرار داده، خواسته ها و مسلمات آنرا تعیین می نماید، چنانکه راه علاج عوارض و پیش آمدهای مترقبه را نیز درمی یابد، که مهمترین آن از قرارذیل است:

۱- اعتقاد قاطع براینکه یگانه مصدر خیر وحق، چه مربوط به امور دنیوی باشد و یا اخروی، همانا وحی الهی با دو اصلش، قرآن کریم و سنت مطهر پیامبر ﷺ می باشد.

و به تعقیب آندو اصل پاک، اجماع ثابت شده و معتبر قرار گرفته و نظر به ارزش و اعتباری که در اسلام دارد در وقت ضرورت به آن رجوع شده و مخالفت با آن جایز نمی باشد، زیرا یکی از شروط و زیربنای ایمان بشمار می رود، خداوند ﷻ می فرماید:

﴿ فَلَا وَرَبِّكَ لَا يُؤْمِنُونَ حَتَّىٰ يُحَكِّمُوكَ فِي مَا شَجَرَ بَيْنَهُمْ ثُمَّ لَا

يَجِدُوا فِي أَنفُسِهِمْ حَرَجًا مِّمَّا قَضَيْتَ وَيُسَلِّمُوا تَسْلِيمًا ﴾ النساء: ۶۵

«به پروردگارت سوگند که ایمان نمی آورند تا آنکه ترا در آنچه میانشان مایه اختلاف است، داور گردانند، آن گاه در آنچه داوری کردی، هیچ دلتنگی در خود نیابند و تسلیم شوند به تسلیم شدنی». واز جمله امور معلوم و آشکار در دین، که باید هر مسلمان آنرا بداند، یگانه پنداشتن خداوند در آفرینش همه کائنات است، که بنده باید ایمان و یقین کامل داشته باشد که قانونگذار و حکمفرما، در همه شئون و عرصه های زندگی افراد و جوامع بشری، تنها و تنها الله تبارک و تعالی می باشد.

و در مورد یگانه پنداشتن خداوند در عبادت اینست که بندگان باید در تمامی امورشان، الله عز و جل را حاکم و داور خود گردانند، و به جز او کسی دیگری را به داوری برنگزینند.

۲- بندهٔ مسلمان باید یقین کامل داشته باشد که شریعت اسلامی در هر زمان و مکان قابل تطبیق بوده و اهلیت و شایستگی آنرا دارد، و قوانین و احکام آن، همه نواحی حیات بشری را دربردارد، و یقین و اعتماد کامل بر همه احکام و قوانین کلی و جزئی دین داشته باشد، و بداند که اسلام دینی متکاملی است که کلیه امور خیر، عدل و مساوات، رحمت و شفقت را فرا گرفته است. خداوند عز و جل می

فرماید: ﴿إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلَّذِي هِيَ أَقْوَمُ وَيُبَشِّرُ الْمُؤْمِنِينَ الَّذِينَ

يَعْمَلُونَ الصَّالِحَاتِ أَنَّ لَهُمْ أَجْرًا كَبِيرًا ﴿۹﴾ (الإسراء: ۹)

«قطعا این قرآن به آیینی که پایدارتر است راهنمون می گرداند و مؤمنان را که کارهای شایسته می کنند بشارت میدهد که پاداشی بزرگی برایشان خواهد بود» آنچه که سبب اعتماد و اطمینان در این مورد می شود، آنست که مصدر این قوانین و مقررات، خداوند

عزیز و حکیم است، ذاتی که بر بندگانش لطف و شفقت می ورزد و با علم گسترده و حکمت کاملش مدبر امور است، خداوند سُبْحٰنَہٗ وَّعَظِیْمَہٗ میفرماید:

﴿ اَفَحُكْمَ الْجَاهِلِيَّةِ يَبْغُونَ وَمَنْ أَحْسَنُ مِنَ اللَّهِ حُكْمًا لِّقَوْمٍ يُوقِنُونَ ﴾ المائدة: ۵۰

«آیا خواستار حکم جاهلیت اند؟ و برای مردمی که یقین دارند، داوری چه کسی از خدا بهتر است» لذا درست کردن و اصلاح نمودن هرگونه خللی در هر حالت و در هر رابطه ای، لازم است که موافق به معیار شریعت باشد، خواه در درستی یا نادرستی، یا در حق باشد یا در باطل، و نباید این معیارها را دیگران که از نگاه دین و عقیده با ما ارتباطی ندارند و یا هم آن‌عهده مسلمانانی که متأثر به ایدیولوژی آنها اند سنجش و تعیین نمایند، خداوند سُبْحٰنَہٗ وَّعَظِیْمَہٗ می فرماید:

﴿ وَأَحْذَرُہُمْ أَنْ يَفْتِنُوكَ عَنْ بَعْضِ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ إِلَيْكَ ﴾ المائدة: ۴۹

«و از آنان بر حذر باش، مبادا که ترا در بخششی از آنچه خدا بر تو نازل کرده، به فتنه در اندازند»

۳- به فرزندان امت اسلامی آگاهی داده شود تا از قوانین و مقررات وضع شده توسط بشر که اغلباً بر مبنای مخالفت با نصوص قرآنی و قواعد و اصول دین اسلام استوار بوده و با شعائر و ارزشهای والای دین مغایرت دارد هر چند احیاناً در ظاهر زیبا و پسندیده جلوه نماید و شاید هم در بعضی از جوانب این قوانین گوشه‌ای از حقایق به نظر آید که آنهم بدون شک نتیجه سرشت پاک انسانی بوده که در ابتدای خلقت بر آن آفریده شده و یا اینکه در نتیجه عقلانی بودن بشر چنین جنبه مثبتی در قوانین وضعی به نظر خواهد بخورد، بر حذر باشند. خداوند می فرماید: ﴿وَلَوْ كَانِ مِنْ عِنْدِ غَيْرِ اللَّهِ

لَوْجَدُوا فِيهِ اخْتِلَافًا كَثِيرًا ﴿ النساء: ۸۲

« واگر - قران - از جانب غیر خدا می بود قطعا در آن اختلاف بسیاری می یافتند»

همچنان آگاه ساختن فرزندان این امت بر اینکه مصدر همه تبهکاری و فساد و گزندهای که بشریت چه مسلمان و چه کافر از آن شکایت داشته ورنج می برند همانا مغایرت و تباین قوانین وضع شده و خودساخته آنها با اسلام و دوری ایشان از آیین و ارشادات اسلام که یگانه مرجع اساسی حق بوده، و آرامش و آسایش بشریت در آن نهفته است، می باشد، خداوند عز و جل می فرماید:

﴿ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ لِيُذِيقَهُمْ بَعْضَ

الَّذِي عَمِلُوا لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ﴾ الروم: ۴۱

«فساد در بر و بحر آشکار شد به سبب عملکرد مردم» همچنان

او تعالی ﷻ می فرماید: ﴿لَوْ كَانَ فِيهِمَا آءِلهَةٌ إِلَّا اللهُ لَفَسَدَتَا فَسُبْحَانَ اللهِ

رَبِّ الْعَرْشِ عَمَّا يَصِفُونَ ﴿۲۲﴾ الأنبياء: ۲۲

«اگر در آن دو- آسمان و زمین- جز خدای یگانه، خدایان دیگری وجود میداشت، قطعا زمین و آسمان هر دو تباه می شد، پس منزه است خداوند پروردگار عرش، از آنچه وصف می کنند».

۴- مسلمان باید متیقن بوده و ایمان کامل داشته باشد که دین اسلام یگانه دینی عدل است، و لازمه و خواست عدل اینست که میان دو هم جنس مساوات برقرار کنند، و دو جنس مختلف را وقتی که امکان مساوات میان شان نباشد، از هم جدا کند.

و کسیکه ادعا می کند که اسلام دین مساوات بدون قید و شرط است، اشتباه بزرگی را مرتکب شده است، زیرا مساوات

مطلق گاهی هم نیاز به عملی نمودن مساوات میان دو چیز متفاوت و مختلف را ایجاب میکند، که این درحقیقت ظلمی آشکار است، و کسانی که برداشت شان از مساوات، عدل است، آنها معنای درستی را از کلمه مساوات برداشت نموده اند ولی در لفظ آن به خطا رفته اند، زیرا یک حرف از قرآن کریم هم امر به مساوات مطلق ننموده است، بلکه امر به عدل نموده است، چنانکه خداوند عز و جل می

فرماید: ﴿إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ﴾ النحل: ۹۰

«درحقیقت، الله به عدل و احسان امر میکند» چه بسا احکام و قوانین شریعت اسلامی بر اساس عدل استوار است، و مساوات را در صورتی مراعات مینماید که در آن عدل باشد، و همچنان تفاوت در صورتی میگذارد که در آن عدل برقرار باشد، خداوند می فرماید: ﴿وَقَمَّتْ كَلِمَتُ رَبِّكَ صِدْقًا وَعَدْلًا لَا مُبَدَّلَ لِكَلِمَتِهِمْ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ﴾ الانعام: ۱۱۰

«وسخن پروردگارت به صدق و عدل سرانجام گرفته است، کلمات

اورا دگرگون کننده ای نیست، و او شنوای داناست» یعنی صدق در آگاهی، و عدل در احکام. لذا اسلام زندگی و روابط بشریت را بر اساس عدل تا آخرین حد برپا نموده و استوار نگه میدارد، پس عدل در هر حالت و با هر کسی و از هر انسانی مطلوب است، خداوند عز و جل میفرماید:

﴿وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَاٰنُ قَوْمٍ عَلَىٰٓ أَلَّا تَعْدِلُوا ۗ اَعْدِلُوا هُوَ اَقْرَبُ

لِلتَّقْوٰى ۗ وَاتَّقُوا اللّٰهَ ۗ اِنَّ اللّٰهَ خَبِيْرٌۢ بِمَا تَعْمَلُوْنَ ﴿ المائدة: ۸

«ودشمنی قومی، شما را برترکی عدالت و ندارد، عدالت کنید که آن به تقوا نزدیکتر است».

۵- در مورد روابط میان بشر، جاهلیت غربی عصر حاضر، به نظریه (فردی) معتقد بوده آنرا معیار اساسی قرارداد است، که به طبیعت حال و از روی منطق نتیجه و سرانجام این طرز فکر چنین خواهد شد که پیروانش تسلیم بر آن گردند که یقیناً علاقه و رابطه

میان انسانها براساس کشمکش ها وغالب آمدن یکی بردیگری، و خودخواهی و بیخالت، و تنگی بردیگران بوده و کمک، همکاری، دستگیری، بخشش، ایثار و فداکاری در جوامع آنها راهی نداشته و ندارد. این همه دگرگونی حاصل و ثمره کجروی از جاده حقیقت و از راهی که خداوند ﷻ آنها را برای بشریت وضع نموده است، می باشد. پس کشمکش ها و اختلافات میان زن و مرد، و حقوق متعلق به هریکی از آنها، که اجندای کنفرانسها و محافل جهانی را در این وقت و زمان تشکیل می دهد، همه نتایج میراث تاریخ و فرهنگ غرب است که ریشه های دینی - تحریف شده - آنرا تقویت کرده و مفکوره عداوت و دشمنی میان زن و مرد را ازلی معرفی می نماید، و زن را سبب و مصدر اساسی همه اشتباهات می خوانند، این میراث تاریخی غرب شاید بابعضی از فرهنگ ها و آیدیاالوژی های دیگر خلط خورده و همسیر گردیده باشد، ولی بدون شک و با تأکید،

باشریعت اسلامی و فرهنگ مسلمانان هیچ رابطه و نسبتی نداشته و ندارد. در آیین اسلام زن و مرد این حق را ندارند که حقوق را تعیین نمایند، بلکه یگانه کسیکه حقوق همه را مقرر و تعیین می نماید، خداوند لطیف و دانا است، که فرموده است: ﴿هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ

مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَجَعَلَ مِنْهَا زَوْجَهَا لِيَسْكُنَ إِلَيْهَا﴾ الأعراف: ۱۸۹

«اوست کسی که شمارا از نفس واحدی آفریده و همسرش - حوا- را از وی پدید آورد تا- آدم- بدان آرام گیرد- و انس یابد-».

اما بی عدالتی، جور و ستم، سلب و تلف حقوق در محیط زیست مسلمانان و بخصوص در زندگی بعضی از خانواده ها که به مشاهده می رسد اسباب و علل مختلفی داشته که در این منشور به دو مورد آن اشاره می شود.

اول اینکه آنها به اصول و مقررات دین مقدس اسلام توجه و متمسک نبوده، قوانین و فرهنگ غربی را سرمشق امور خود قرار داده اند، دوم اینکه از رسم و رواجهای فرسوده که مخالف شریعت اسلام بوده تقلید و به آن عمل نموده اند، که بلاخره منجر به معضله های گوناگون شده و در نتیجه از آن صراط مسقیمی که خداوند عزوجل برای سعادت بشر تعیین فرموده منحرف شده به بیراهه رفته اند و سبب همچو بی عدالتی ها در مجتمعات ایشان شده است.

۶- جنگ و مبارزه کافران از ابتدای درخشیدن نور اسلام و پایداری آن، علیه مسلمانان آغاز گردیده و استمرار خواهد داشت، خداوند عزوجل می فرماید:

﴿وَلَا يَزَالُونَ يُقَاتِلُونَكُمْ حَتَّى يَرُدُّوكُمْ عَنْ دِينِكُمْ إِنِ اسْتَطَاعُوا﴾ البقرة: ۲۱۷

«واینان همچنان - مستمراً - باشما پیکار میکنند تا اگر بتوانند شمارا از دین تان برگردانند».

و توأم با تسلط کفار بر مسلمانان که گاهی رخ داده است، گروه منافقان نیز میان مسلمانان عرض اندام نموده، و آنچه را که در قلب می پرورانیدند، باموضع گیری هایشان آشکار ساخته، و کسانی هم پیدا شده که دنبال آنها رفته اند، از اینرو باید مبارزه جدی و تصفیه حساب با این گروه فتنه انگیز صورت گیرد، چنانکه خداوند عز و جل می فرماید:

﴿يَتَأْتِيهَا النَّبِيُّ جِهْدِ الْكُفَّارَ وَالْمُنَافِقِينَ وَأَغْلظْ عَلَيْهِمْ وَمَأْوَاهُمْ جَهَنَّمُ

وَبئْسَ الْمَصِيرُ﴾ التحريم: ۹

«ای پیامبر! علیه کافران و منافقین جهاد کن و بر آنان غلظت کن، و جایگاه شان دوزخ است، و چه بدسرنجامی است!».

و می فرماید:

﴿هُرَّ الْعَدُوَّ فَأَحْذَرَهُمْ قَالَهُمْ اللَّهُ أَنَّى يُؤْفَكُونَ﴾ المنافقون: ۴

«آنان خود دشمن اند، پس از آنان بر حذر باش، خداوند هلاک شان کند، چگونه بیراهه می روند؟!»

چنانکه لازم است مسلمانان، از راه و روش فریبکارانه بسیاری از آنان که نصوص شرعی - آیات و احادیث - را تحریف و تأویل نموده و معانی و الفاظ و یا مفهوم و مقصود آن را، بایشکش نمودن شبهات باطل و بی اساس، برای مردم ارایه میدارند، آگاهی داده شوند. همچنان لازم است دنباله روان حلقه بگوش این گروه مکار که تحت تاثیر شکست مادی و معنوی، که در عصر حاضر گریبان گیر آنان شده، نصیحت و توجیه و راهنمایی شوند، تا همچو مردمان فریب خورده ساده لوحیکه حس عزتمندی و افتخار به احکام و قوانین این دین عزیز در وجود شان ضعیف شده و زیر تاثیر تبلیغات و شبهات

گمراه کننده این گروه منافق رفته اند، به خود آمده، و به عزت
واعتلای دین اسلام پی ببرند.

اصول و ضوابط شرعی در مورد حقوق و وظایف زن

در تاریخ اسلام و مسلمانان مشکلی بنام (مسایل زن) چه در اوج قدرت و عزت شان، و چه در زمان ضعف و شکست آنان وجود نداشت، ولی هنگامیکه غرب و فرزندانشان غرب زده شان، امراض ورنجهایی گوناگون را با تبلیغات شان در جوامع بشری - که کشورهای اسلامی نیز شامل آن میباشد - انتقال دادند، مسایل و پیامدهای بنام (مسأله زن) مطرح گردید که گویی هیچ موضوع مهمتری جز مسأله زن قابل بحث و مناقشه نیست، غربی ها و دنباله روان آنان صداهای بنام آزادی زن را در جامعه مسلمانان بر اساس طرز فکری سیکولرسی غربی بلند نمودند. لذا لازم می بینیم که بعضی از اصول و ضوابط شرعی مربوط به زن را که دین مبین اسلام آنرا مقرر و تعیین نموده بیان نماییم :

۱- زن طرفی از دو جنس بشری بشمار می رود، خداوند ﷻ می فرماید: ﴿وَأَنَّهُ خَلَقَ الذَّكَرَ وَالْأُنثَى﴾ النجم: ۴۵ «و اوست که جفت‌های نر و ماده را می آفریند» چنانکه زن پاره و جزوی از یک نفس انسانی است، خداوند ﷻ می فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَخَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا﴾ النساء: ۱

« ای مردمان! از خشم پروردگارتان بپرهیزید، پروردگاری که شمارا از یک انسان بیافرید و سپس همسرش را از او پدید آورد.»
پس زن در اصل و منشأ و سرنوشتش، خواهر مرد بوده، و در راه آبادی و بهبودی جامعه - دراموری که به هر کدامی آنان تعلق می گیرد- همراه وهم مسیر است، همچنان در مسایل عامه دینی، مانند توحید و اعتقاد، پاداش و کیفر، و بلاخره در همه قوانین و مقرراتی

که مربوط به حقوق و وظایف آنها است فرق و تفاوتی میان این دو جنس وجود نداشته و ندارد، خداوند ﷻ می فرماید:

﴿مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِّنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيٰوةً طَيِّبَةً
وَلَنُجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ﴾ النحل: ۹۷

«هرکس از مرد یا زن که کار نیک کند و او مومن باشد، بی گمان به زندگی پاک و پسندیدای زنده اش میداریم و مسلما به آنان برحسب نیکوترین آنچه می کردند، پاداش می دهیم» و پیامبر بزرگ اسلام ﷺ می فرمایند: (إِنَّمَا النِّسَاءُ شَقَاتُ الرِّجَالِ) نزد ابوداود و ترمذی «همانا زنها، خواهران مردان اند» از اینرو میزان عزت و کرامت در نزد خداوند ﷻ تقوا و پارسایی است، چنانکه خداوند ﷻ می فرماید:

﴿إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَنفُسُكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ﴾ الحجرات: ۱۳

«بی گمان گرامی ترین شما در نزد خدا، متقی ترین شماست» و هیچ تعبیر دقیق، بلیغ و رساتری از این لفظ در نخواهیم یافت، هنگامیکه

خداوند ﷻ فرمود: ﴿بَعْضُكُمْ مِنْ بَعْضٍ﴾ آل عمران: ۱۹۵ «همه از همدیگرید». یعنی: مردان شما در طاعت الله تعالی مانند زنان شما هستند، و زنان شما مانند مردان شما، زیرا هر دو جنس، از نسل آدم و حوا بوده و هر دو جنس مکلف می باشند.

همچنان خداوند ﷻ فرموده: ﴿فَأَسْتَجَابَ لَهُمْ رَبُّهُمْ أَنِّي لَا أُضِيعُ عَمَلَ عَمَلٍ مِّنْكُمْ مِّنْ ذَكَرٍ أَوْ أَنْتُمْ بِبَعْضِكُمْ مِّنْ بَعْضٍ﴾ آل عمران: ۱۹۵ «آنگاه پروردگارشان دعای ایشان را پذیرفت و پاسخشان داد که من عمل هیچ کسی از شما را که به کار پرداخته باشد - خواه زن باشد یا مرد - ضایع نخواهم کرد، پاره ای از شما از پاره دیگر هستید».

پس هر دو نوع زن و مرد در مفهوم و معنای انسانیت، و در عموم احکام و قوانین دین و میزان عدل الهی باهم برابرند.

و حکمتی را که خداوند آفریدگار عَلَيْهِ السَّلَام لازم دانسته اینست که زن با مرد در آفرینش، هیئت و تکوین برابر نباشند، و همین اختلاف و تفاوت های که در نهاد هر دو جنس گذاشته شده، سبب می گردد که فرق و تفاوت های در توان و نیروی جسمانی و عواطف و خواسته ها و اراده های آنان نیز ظاهر گردد.

خداوند عَلَيْهِ السَّلَام می فرماید: ﴿وَلَيْسَ الذَّكَرُ كَالْأُنثَىٰ﴾ آل عمران: ۳۶ «پسر مانند دختر نیست».

و در مورد زن می فرماید: ﴿أَوْ مَن يُنْشَأُ فِي الْحِلْيَةِ وَهُوَ فِي الْخِصَامِ غَيْرُ مُبِينٍ﴾ الزخرف: ۱۸ «آیا کسی را که در لابلای زینت و زیور پرورش می یابد، و به گفتگو و کشمکش در بحث و مجادله نمی تواند مقصود خود را خوب و آشکار بیان و اثبات کند». تفاوت و اختلافی که هر کدام، زن و مرد بر آن سرشت شده اند، سبب شده

تا حکمت ها و احکامی در مورد طرفین ایجاد شود، این اختلاف که البته نظر به حکمتی که خداوند ﷻ دانا و آگاه آنرا بهتر می داند، تفاوت های را در بعضی از جوانب تشریحی، کار و وظیفه، که با تکوین و خصوصیت های دو جنس سازگار است، لازم گردانیده است. خداوند ﷻ می فرماید:

﴿أَلَا لَهُ الْخَلْقُ وَالْأَمْرُ تَبَارَكَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ﴾ الاعراف: ۵۴

«آگاه باشید که تنها او می آفریند و تنها او فرمان می دهد. بزرگوار و دارای خیرات فراوان، خداوندی است که پروردگار جهانیان است». پس اراده آفرینش عالم هستی که خداوند ﷻ آنرا مقدر گردانیده، با اراده دینی و شرعی خداوند ﷻ در اوامر و احکام و تشریحات، هر دو با هم در شأن زن و مرد یکجاشده تا مصالح عامه، و آبادی جهان و تنظیم حیات فردی و اجتماعی بشریت تأمین گردد.

۲- براین حقایق ثابت، احکام شرعی عام مرتب می شود تا این حقیقت را ثابت و استوار نگه دارد، مانند احکام متعلق به خانواده، چون خانواده در نظام اسلامی یگانه زیر بنا و نهاد جامعه بشمار می رود، پس نظر به قوت و همبستگی خانواده، آسودگی، شایستگی، امنیت و آرامش جامعه نیز تأمین می شود. نقش خانواده در اسلام بسیار مهم بوده و اهداف و مرام بزرگی همچو آرامش، رحمت و مهربانی و عطف میان افراد جامعه را محقق میسازد. خداوند ﷻ می فرماید:

إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً ﴿۲۱﴾ الروم: ۲۱

«ویکی از نشانه های - عظمت - خداوند این است که از جنس خودتان همسرانی را برای شما آفرید تا در کنار آنان بیارامید و در میان شما و ایشان مهر و محبت انداخت» بویژه نقش زن در قوت

و همبستگی خانواده مهم و بنیادی بوده و بروز هرگونه هرج و مرج و بی غوری زن در مورد خانواده، انعکاس بدی بر افراد خانواده دارد، پس جامعه سالم با تصمیم قاطع و دوراندیش، در برابر بیخردی و نادانی های جاهلیت عصر حاضر که از مقام زن کاسته و نقش وی را در خانواده نادیده گرفته و مسئولیت های سنگین خانوادگی که بدوش دارد آنرا بی اهمیت جلوه میدهند، ایستادگی جدی نمایند چون زن مسلمان واقعا بنخاطر مصالح خانواده و جامعه مسئولیت بس بزرگی را متحمل می شود.

در مقابل بر مرد لازم است رنج و مشقت کار و برآورده ساختن نیازمندی های خانواده را که شریعت اسلام بروی واجب گردانیده است متحمل شود. خداوند عز و جل می فرماید:

﴿الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ وَبِمَا أَنْفَقُوا مِنْ أَمْوَالِهِمْ﴾ النساء: ۳۴

« مردان بر زنان بزرگ و حاکم اند، به سبب آنست که الله ﷻ برخی آدمیان را بر برخی، برتری داده است. »

همچنان الله ﷻ می فرماید: ﴿ وَهُنَّ مِثْلُ الَّذِي عَلَيْنَّ بِالْمَعْرُوفِ وَاللَّزَّجَالِ عَلَيْهِنَّ دَرَجَةٌ ﴾ البقرة: ۲۲۸

« و برای زنان است - بر عهده مردان - همانند آنچه بر عهده زنان است بطور پسندیده و - لیکن - مردان را بر آنان (زنان) درجه ای برتری هست. »

بزرگی و حاکم بودن مرد به این معنی است که وی رهبری و قیادت جامعه کوچک یعنی خانواده را بدوش دارد که وی شرف آنرا حاصل نموده و نباید از توانمندی خود سوء استفاده نموده و راه ستم پیش گیرد.

قیادت مرد بر خانواده به مصلحت زن و همه افراد خانواده است، زیرا مسئولیت نفقه و تهیه نمودن خوراک و پوشاک، حفظ و نگهداشت آنها همه و همه بر مرد واجب است، لذا باید از رئیس خانواده اطاعت درست صورت گیرد، البته اطاعت درگاهای نیک و شایسته، و نه اینکه فرمانبرداری مطلق. پیامبر ﷺ می فرمایند: «همانا اطاعت در معروف است» متفق علیه. یعنی اگر مردی خانواده اش را به معصیت و نافرمانی خداوند ﷻ امر نماید، پس در چنین حالت اطاعت وی بر اعضای خانواده لازم و واجب نیست.

۳- مرد مکلف است نفقه زن را بدوش گیرد، زیرا نفقه حق مسلم زن، و نصیب فرض شده وی در مال مرد است، که از وی در حالت قدرت و توان ساقط نمی گردد، خداوند ﷻ می فرماید:

﴿لِيُنْفِقَ ذُو سَعَةٍ مِّن سَعَتِهِ وَمَن قَدِرَ عَلَيْهِ رِزْقُهُ فَلْيُنْفِقْ مِمَّا آتَاهُ اللَّهُ لَا

يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا مَاءً آتَاهَا سَيَجْعَلُ اللَّهُ بَعْدَ عُسْرٍ يُسْرًا ﴿ الطلاق: ۷

« باید که خرج کند توانگر از توانگری خود، و آن کس که بروی روزی اش تنگ شده است پس باید از آنچه که خداوند عز و جل به او بخشیده است خرج کند. خداوند عز و جل هیچ کس را جز به آنچه که به او بخشیده است مکلف نمی کند به زودی خدا عز و جل پس از تنگدستی آسایشی را پدید خواهد آورد.»

و این نفقه حق ثابت و مسلم زن بوده ربطی به حقوق و اموال شخصی زن که در تصرف وی است ندارد، زیرا زن در اراده و آنچه که تحت تصرفش است آزادی و استقلالیت برابر با مردان دارد، و این حقیقتی است که شریعت پاک اسلام آنرا تعیین و مقرر نموده است. جاهلیت عصر حاضر که تا نیمه دوم قرن بیستم دوام کرد، زن را در گرد آوردن مال و مصرف نمودن آن، کم اهل و ناقص معرفی نموده - چنانکه در قوانین و مقررات لاتینی وجود دارد - اما در نظام و مقررات اسلام، زن در این حوزه شخصیتی مستقلی مانند مرد

شمرده شده و از اهلیت کامل برخوردار است، و تفاوتی در این عرصه میان زن و مرد گذاشته نشده است.

۴- رابطه میان زن و مرد در جامعه اسلامی و داخل خانواده، بر اساس تکمیل کننده یکدیگر در نقشهای مربوط به هر دو جانب می باشد- یا میتوان تکمیل کننده وظیفوی آنرا نامید- و از جمله اهداف و مقاصد این همبستگی تکمیلی میان زن و مرد اینست که مرد آرامش و اطمینان خاطر، دوستی و محبت و رحمت را در این رشته دریابد، چنانکه خداوند عز و جل می فرماید:

﴿ وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ

بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً ۗ الرُّوم: ۲۱

« و از آیات - عظمت - او تعالی این است که از خودتان برایتان همسرانی آفریده تا بدانها آرام گیرید و در میان شما مودت و رحمت نهاد.»

لفظ سکون کلمه ای است که هیچ تعبیری رسا و بلیغی در زبان عربی مانند آن وجود ندارد، و شاید در زبانهای دیگر نیز همچو معانی که این کلمه در بردارد، وجود نداشته باشد، کلمه سکون چند معنایی را در بردارد مانند: امن، راحت، اطمینان، آرامش، انس و محبت که وجود همچو صفات تاثیر و انعکاس مثبت بر خود همسران و فرزندان شان، و بلاخره بر همه افراد جامعه دارد. پس هنگامیکه فرق و تفاوت در صفات بدنی و نیروی جسمانی و روانی هر دو جنس وجود داشته باشد، بدیهی است که در وظایف زندگی اجتماعی نیز تفاوتها ایجاد خواهد شد، از اینرو متمم بودن دو جنس در وظایف و مسئولیتها و حقوق، ثمره و حاصل عدل و انصافی است که آیین اسلام همچو روابط و علایق را استوار و پایدار نگهداشته است.

بنابراین شریعت اسلامی حوزه کار و عمل مرد و نوعیت آنرا در زندگی اجتماعی مقرر و تعیین نموده است، چنانکه میدان کار

و عمل اساسی زن و نوعیت آنرا نیز نشانه گذاری و محدود ساخته است. این مقررات و محدود سازی های وظایف زن و مرد را عقل سلیم و سرشت و فطرت راست و مستقیم پذیرفته و می پذیرد، بلکه با آن سازگار و هم آهنگ می شود، و سرانجام موجب تکامل، توازن، امن و آرامش اجتماع شده بدون اینکه یک جهت سنگینی مسئولیت را بیشتر از حد و توان جسمی اش، و آنچه که رسم و عادات بر آن معمول است، بردارد.

لذا تحمیل نمودن وظایف و مسئولیت های مرد بر زن، بدون نیاز شخصی زن و یا جامعه، ظلم و جور محسوب می شود، زیرا اینکار نه تنها تجاوز بر عدل و دادی که در مورد حقوق و واجبات آنها تعیین و مقرر شده می باشد، بلکه تعرض و بی احترامی بر کرامت و حقوق زن تلقی می شود.

۵- حالا که محدوده وظیفه زن در زندگی اجتماعی مشخص شد، سخن حتما متوجه تعلیم زن می شود، از اینرو ما تأکید بر آن داریم که تعلیم زن در امریکه بنده جز بوسیله آن پروردگارش راپرستش نمیتواند، مانند فرایض مربوط به ایمان و یا فرایض عبادات و غیره واجب شرعی است که زن و مرد در این مورد باهم برابر و مشترک اند، پیامبر اکرم ﷺ می فرمایند:

« آموختن علم و دانش بر هر مسلمانی واجب است » روایت ابن ماجه.
پس تحصیل و آموختن علوم و معارف، نظر به وظیفه و مسؤولیت هریکی (زن و مرد) بر آنها لازمی و واجب میگردد، اما آموختن علوم و معارف بیشتر از آنچه ذکر شد، از جمله امور مستحبی است که نباید بر دیگر واجبات ضروری متعلق به امور دنیوی و اخروی تنگی و فشار آورد.

۶- شریعت اسلامی که حمایت کننده سرشت انسانی بوده و بر عدل استوار است، حامی و نگهبان حقوق زن در جامعه می باشد، و نسبت به قوانین و مقررات تصویب شده از جانب سازمان ملل متحد مربوط به حقوق انسان، اهمیت فراوانی به حقوق زن قایل است. در حالیکه جاهلیت عصر حاضر این حقوق را نادیده گرفته و اگر بی حرمتی و تجاوزی بر آن صورت گیرد، توجه و التفاتی به آن نمیکند.

بطور مثال: حق زن در ازدواج مطابق احکام و قوانین شریعت اسلامی، و حق وی در مادر بودن، و حق وی در مورد اینکه خانه داشته و مسئولیت آنرا بدوش گرفته بتواند و مانند زمامدار کشوری کوچکی سرپرستی امور به او تعلق بگیرد، و موقع و فرصت کامل بوی داده شود تا وظایفی که موافق با سرستش است آنرا بصورت درست اجرا نماید.

لذا هر جامعه و هرگونه قانونی که مانع ازدواج زن گردد، و مجال و ساحه را بروی تنگ نماید، درحقیقت حقوقش را پایمال نموده و ظلمی بزرگی را بروی روا داشته است.

زن درشریعت اسلامی حق دارد تاهمسر و همسفر زندگی خویش را درمحدوده فرموده پیامبر ﷺ برگزیند، چنانکه آنحضرت ﷺ فرموده اند: «هرگاه کسی ازدخترشماخواستگاری نماید و شما ازاخلاق و دین پسرراضی باشید، پس وی رانا مزدش سازید» روایت ابن ماجه .

زن میتواند- درحالت عدم پایداری زندگی زناشوهری- ازادامه زندگی باشوهر کناررفته، و عقد را فسخ نماید، ودراین مسأله دلایل و نصوص صحیحی وارد است که آنرا تأیید می کند، پس لازم است درهنگام اختلاف و یا اجتهاد دراحکام، به آن مراجعه شود.

۷- نگهداری عفت و آبرو یک اصل شرعی عام بوده و شامل مقاصد شرعی می باشد، مقاصد شرعی عبارتند از: حفظ دین،

نفس، آبرو، عقل، و مال که علماء بر حرمت و حیثیت آن اتفاق نظر داشته اند و تمامی احکام و مقررات شرعی بر مبنای آن اتخاذ می گردد، پس هرگونه عیبجویی در آن مردود شمرده شده و در حقیقت تخطی و تجاوز بر شریعت اسلامی و اهداف والای آن، و جامعه اسلامی محسوب می شود. و هرگاه غرب در مسئله مربوط به حقوق زن در اسلام انگشت انتقاد را متوجه سازد، درحقیقت از خط قرمز عبور کرده و این حق مسلم زن مسلمان را پایمال کرده اند، و در مجموع این عملکرد آنها تعرض به شریعت و مجتمع اسلامی شمرده می شود، و اگر جلو آنان گرفته نشود سبب نشر و شیوع فواحش و رذائل همانطوریکه در میان خود شان بوقوع پیوسته، خدا نا خواسته در میان مسلمانان نیز سرایت می کند.

خداوند ﷻ می فرماید:

﴿إِنَّ الَّذِينَ يُحِبُّونَ أَنْ تَشِيعَ الْفَاحِشَةُ فِي الَّذِينَ ءَامَنُوا لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ فِي

الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ ۗ وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ ﴿النور: ۱۹﴾

«به راستی کسانی که دوست دارند، فاحشه در میان کسانی که ایمان آورده اند، شایع شود برایشان عذابی دردناک در دنیا و آخرت است، و خداوند می داند و شما نمیدانید.»

لذا قانون گذار حکیم و دانا ﷺ احکامی را بنخاطر حفظ و حمایت این مبدأ وضع نموده، از جمله ازدواج میان مرد با زن را قانون گذاشته، و این رشته زنا شوهری را پیمان قوی نامیده است، چنانکه الله

ﷻ می فرماید: ﴿وَأَخَذَتْ مِنْكُمْ مِيثَاقًا غَلِيظًا﴾ النساء: ۲۱

«زنان پیمان محکمی - هنگام ازدواج - از شما گرفته اند». و بنخاطر مصئون بودن این مبدأ از بسی حرمتی و تجاوز، قوانین و مقرراتی و قایوبی را وضع نموده که بالای مرد وزن یکسان تطبیق می شود و

باید جدی آنرا مدنظر بگیرند. و راههای منتهی به اعمال زشت و ناهنجار را کاملاً مسدود کرده است. بطور مثال اختلاط زنان با مردان نامحرم و یا خلوت با نامحرمان، خصوصاً سخن گفتن زن با مرد نامحرم به نرمی و ملایمت، چنانکه زنان فتنه گر همچو اعمالی را انجام می دهند، و غیره اموری که عواقب زشت و خلاف اخلاق و تربیه اسلامی دارد، ممنوع قرار داده و آنرا ناروا شمرده و مرتکبین آنرا موجب عذاب گردانیده است.

همچنان شریعت اسلامی در مورد شیوع و انتشار فواحش در مجتمع اسلامی، بر کسانی که خواهان و آرزومند همچو اعمال زشت هستند، نیز باتندی و شدت رفتار نموده است. به همین منظور احکام مربوط به حجاب و عدم نگرستن بسوی نامحرم را دستور داده و بر تجاوزکاران این مبدأ عقوبت های مانند حد زنا، وحد

قذف (تهمت)، و تعزیرهای مختلفی را بخاطر حفاظت و حراست آبرو، و محترم شمردن پاکی و عفت افراد جامعه وضع نموده است. خداوند ﷻ زنا را بر هر دو جنس - زن و مرد - حرام قرار داده و آنرا از امور زشت و قبیح پنداشته است، خداوند ﷻ می فرماید:

﴿ وَلَا تَقْرَبُوا الزِّنَىٰ إِنَّهُ كَانَ فَحِشَةً وَسَاءَ سَبِيلًا ﴾ [الإسراء: ۳۲]

«وبه زنا نزدیک نشوید که زنا گناه بسیار زشت و بدترین راه و شیوه است»

۸- حجاب سنگر و قلعه مستحکمی است که از عفت و آبروی زن حفاظت نموده و مانع پخش فواحش و رذالت می گردد، چنانکه حجاب مظهر و نمای افتخاریه آداب شرعی بوده، پاکی و عفت مرد، زن و جامعه را واری و تحقق می بخشد. حجاب زن مستحب نبوده و تنها رمز و نشان، مربوط بوی نیست که هر گاهی بخواهد پیکرش را با آن بآراید، و هر وقتیکه خواسته باشد آنرا ترک نماید، بلکه حجاب واجب دینی است که خداوند تعالی ﷻ آنرا بر زنان

لازم گردانیده، تا از هرگونه زشتی مصئون بمانند، و عفت و پیاکی خویش را همچو مادران مؤمنان - همسران پیامبر بزرگ اسلام ﷺ - اعلان نمایند، تا شهوت رانان به آنان طمع نورزند، چنانکه خداوند ﷻ می فرماید:

﴿يَأْتِيهَا النَّيُّ قُلْ لَأَزْوَاجُكُمْ وَبَنَاتِكُمْ وَسَاءَ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلْبِيبِهِنَّ
ذَلِكَ أَدْنَىٰ أَنْ يُعْرَفْنَ فَلَا يُؤْذِنَنَّ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا﴾ (الأحزاب: ۵۹)

«ای پیغمبر! به همسران و دختران خود و به زنان مومنان بگو که روپوش های خود را جمع و جور بر خویش فروافکنند. تا این که - از زنان بی بندوبار - دست کم باز شناخته شوند، و در نتیجه مورد اذیت و آزار (اوباش ها) قرار نگیرند، خداوند آمرزنده و مهربان بوده و هست.»

دشمنان اسلام توطئه و جنگ علیه حجاب را بصورت آشکار آغاز نموده و در این مبارزه شهوت پرستان مسلمان نما و مردمان

فساد پیشه، همگام با آنان علیه مقدسات دینی برخاسته اند، و شاید هم گاهی مفکوره و نظریهٔ پلید خویش را راجع به حجاب پنهان نموده و در ظاهر آنرا بپذیرند، لیکن بامسوخ نمودن حقیقت حجاب و دگرگون ساختن و جهت دادن آن بسوی فرهنگ و عنعنۀ قلابی، که پذیرش هرگونه تکامل و اختصار را دارد، اهداف شوم خویش را پیاده نموده، غایت و مرام آنرا کاملاً ریشه کن و از میان می بردارند. و هرگاه اهمیت و ارزش حجاب و بیهای مربوط به آن را درک نماییم، شک و شبهه ای را که دشمنان ایجاد کرده اند همه زائل شده به دسائیس آنها اطلاع پیدا می توانیم، و برای ما آشکار می شود که غرب شب و روز در توطئه چینی و جنگ علیه حجاب بوده و عداوت قدیمی که با دین اسلام دارند می خواهند انتقام را تا جایی از این راه و بدین وسیله از مسلمانان بگیرند. امروز غرب در مقابل حجاب از خود حساسیت نشان داده و زنان پابند به

حجاب را زیر فشار قرار می دهد زیرا بر آنان سنگینی میکند که زن مسلمان مستور و با عفت، و زنان خود را مثل حیوان دریابند، حال آنکه هیچ لباسی مربوط به طایفه های دینی دیگر، یا سایر نژاد های بشری مورد فشار قرار نمیگیرد طوری که زنان با حجاب مسلمان زیر فشار اند! البته شواهد و اسناد بسیاری وجود دارد که زنان با حجاب در کشورهای غربی که ادعای دفاع و حمایت از حقوق شخصی را دارند، و یا در بعضی از کشورهای اسلامی و عربی که قوانین آنها مبتنی بر سیکولرزم است، چگونه تحت فشار و مزاحمت های قانونی و عملی گوناگونی قرار دارند، و کسانی که اوضاع جهان را تعقیب و پیگیری می نمایند، در این مورد بهتر آگاهی دارند.

۹- پس زمانیکه حجاب قانونی استوار و متین، و فریضه ثابت و مسلم بخاطر حفظ کرامت زن و مجتمع اسلامی است، بخاطر نگهداشت مبداء عفت، قانونی دیگری نیز مربوط به آن وضع گردیده

و آنرا تقویت بیشتر بخشیده است که عبارت است از مباح بودن تعدد یا چندزنی مرد، که متأسفانه بوسیلهٔ رسانه های اطلاعاتی دشمن، و از لابلای عملکردهای نادرست بعضی ها، صورت حقیقی آن را زشت جلوه داده اند. با وجود آنکه واقعیت عملی این قانون- حتی در جوامع غیراسلامی نیز در بلند بردن مقام و منزلت و ارزش زن کمک به سزایی نموده است. بخاطر توضیح بیشتر در این مسأله میتوان مقایسه کرد میان جوامعی که قانون تعدد در آن حکم فرماست که چگونه زن از منزلت و قیمت بزرگی برخوردار شده است، و در مقابل جوامعی که زن را از این حق محروم گردانیده اند، چگونه کم ارزش و مسلوب الاراده شده و حق شخصی ایشان تلف شده است. پس تعدد- چندزنی- قانونیست ثابت و استوار، مشروط بر اینکه میان همسران عدالت صورت گیرد، تا عزت و کرامت زن تحقق یافته و ازدواج وی به شکل آسان، و با کرامت

وعفت صورت گیرد، و زندگی مرفه و سعادت‌مند نصیبش گردد. البته صرف نظر از حالاتی که در آینده شاید واقع شود مانند بیوه‌گی، طلاق و بزرگسالی که آنهم مسائلی علیحده است، اما در مقابل حالات اجتماعی زیادی است که راه حل آن جز با تعدد یا چند زنی امکان پذیر نیست، مانند عقیم بودن زن، یا مرضی، و یا طبیعت و چگونگی کار و پیشه وی، و یا وضعیت قانونی مانند تابعیت وی، و حالات دیگری که در همه حالات فوق بدیلی برای تعدد، جز طلاق وجود ندارد، یعنی باید همسر را طلاق نماید تا بتواند با دوشیزه دیگری ازدواج کند و طبیعی است همسر طلاق شده در وضع بحرانی قرار گرفته و شاید هم بی سرنوشت شده و باردوش جامعه گردد، اما اگر در موجودیت همسر اولی با زنی دیگری ازدواج کند، و عدالت را میان آنان برقرار سازد، همه خانواده سعادت‌مند خواهند شد. ولی در مجتمعاتی که تعدد زوجات ممنوع

است درحالات فوق الذکر (عقیم بودن، مریضی دوامدار..) همسر مجبور می شود به طلاق متوسل شود تا بتواند با دیگری ازدواج کند که این اقدام از یکسو ظلمی است که بر زن واقع می شود و از سوی دیگر به شوهر هم صدمه روحی وارد میگردد، درحالیکه هر دو راحت و سکون و آرامش برای یکدیگر بوده اند، علاوه بر این چندزنی در بسیاری از احیان سبب حفظ کرامت کودکان می گردد، بویژه یتیمان و آنعده کودکانیکه پدران خود را از دست داده و از مهر و محبت پدر محروم گردیده، آوارگی و یاداخل شدن به دارالایتامها سرنوشت آینده آنان را مجهول ساخته است پدر بدیل و مناسب ترین حل برای همچو حالات خواهد بود، خداوند عز و جل می فرماید:

﴿ وَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تُقْسِطُوا فِي الْيَتَامَىٰ فَانكِسُوا مَا طَابَ لَكُمْ مِنَ النِّسَاءِ مَنِّي وَتَلَدْتُمْ وَرَبِّعٌ فَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تَعْدِلُوا فَوَاجِدَةٌ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ ذَٰلِكَ أَلَّا تَعُولُوا ﴾ النساء: ۳

«واگر ترسیدید که دربارهٔ یتیمان نتوانید عدالت و دادگری کنید، پس با زنان دیگری که - برای شما حلالند - دوست دارید، با دویاسه یا چهارتا ازدواج کنید، اگر می‌ترسید که نتوانید میان زنان عدالت را مراعت کنید، به یک زن اکتفا کنید یا با کنیزان خود ازدواج نمایید، این نزدیکتر به آن است که ستم نکنید»

پس اسلام یگانه مرجعی است که به مصالح همه اعم از مردان و زنان رسیدگی نموده و اهداف و مقاصد ازدواج برای طرفین را محقق می‌سازد، و هرگونه نیازمندی‌های روانی و اجتماعی آنان، اعم از عفت، آرامش فرزند را متوفر می‌سازد، هرچند اگر گاهی به رغبت‌های بی‌موقع و یا مصلحت‌های محدود و باریک متعلق به زن شوهردار - بیوه - تعارضی هم ایجاد گردد.

پیش و نمای این منشور

۱- دین اسلام بعد از آنکه مساوات میان مرد و زن را در دایره انسانیت و کرامت بشری، و حقوقی که ارتباط مستقیم به سرشت و طبیعت مشترک بشری می گیرد، تضمین نموده مساوی بودن آنها را هم در عموم قوانین و مقررات دینی تأیید نموده و پذیرفته است، و در عین حال میان آنها در بعضی از حقوق و وظایف فرق می گذارد، البته این تفاوت و فرق گذاری نظر به اختلافات فطری که بطور قطعی و محقق میان زن و مرد موجود است در نظر گرفته شده است، زیرا در وظایف، اهداف و سرشت هر دو جنس که بر آن آفریده شده اند، اختلافات و تفاوت های وجود دارد که باید هر کدام (مرد و زن) وظیفه بنیادی خویش را بر اساس آن باشکل درست انجام دهند، از اینجاست که فریاد و غوغاهایی از جانب کنفرانس های ویژه یی زن، و کارگردانان و پیش آهنگان آنان

برپاشده، ونهضتهای جهانی منسوب به زن، ودنباله روان وترویج دهندگان این اندیشه ناپاک، درکشورهای اسلامی نیز صداهایی را بنام مساوات و برابری میان مرد وزن بلند نموده اند. آری: مساوات از نگاه انسانیت و خواسته های آن امرطبیعی و تقاضای عادلای است، زیرا زن و مرد دوجهد جدا ناشدنی نسل بشر بوده، واسلام نیز برآن اعتقاد و اعتراف دارد، وهیچگونه پوشیدگی دراین امر وجودندارد. امامساوات و برابری در وظایف زندگی و روشهای آن چگونه قابل تنفیذ و اجرا خواهدبود؟ آیااین کنفرانسها ونهضتهای مربوط به زن، و وابستگان وخواهان این اندیشه، توان آن را دارندتا با همچوکنفرانس ها وگردهم آیی های شان سرشت وطبایع اشیاء را دگرگون سازند؟ ویا میتوانند فطرت بشری زن را تغیردهند؟! امتیاز بزرگی که اسلام بر سایر مکتب های فکری دارد اینست که آیین ونظام آن واقعی بوده ودرمورد زن

ومرد بصورت واقع بینانه و با درک نمودن فطرت بشری هر دو جنس، حکم و فرمان صادر نموده است، وزمانی که مساوات میان زن و مرد منطقی و موافق با فطرت و سرشت شان باشد، مساوات را می پذیرد، و هر گاهی تفاوت و فرق گذاشتن میان آنان منطقی و موافق با فطرت شان باشد. تفاوت را معتبر و معقول می داند. خداوند ﷻ می فرماید: ﴿أَلَا يَعْلَمُ مَنْ خَلَقَ وَهُوَ اللَّطِيفُ الْخَبِيرُ﴾ الملك: ۱۴ «آیا کسی که آفریده است نمی داند؟ باین که او خود لطیف و خبیر است». بدون تردید هر اندیشه و نهضتی که مخالف باروشهای اجتماعی و سرشت بشری پایه گذاری گردد، سرنوشت آن به ناکامی حتمی و تباهی می انجامد، و این یگانه سبب ناکامی نهضت و حرکاتی که خواهان آزادی و رهایی زن اند - حتی در کشورهای غربی - و آرزومند محقق شدن آن اند، میباشد، لذا برجوامع مسلمانان لازم است با عقل و حکمت، از سرنوشت بد و

ناهنجاری که جوامع غربی دچار آنند، درس عبرت گرفته و به حقایق مسلم برگردند، و به عدل و انصاف فرامین و دستاویز والا و صایب دین اسلام در مورد زن پی ببرند و گردن تسلیمی را خم نمایند.

۲- شریعت اسلامی فرق گذاری ظالمانه ای که حقوق زن را پایمال نموده و به کرامت وی خدشه وارد می نماید حرام قرار داده است. در نظام و قوانین و احکام اسلامی هیچگونه غفلت و بی غوری در عدالت میان زن و مرد و یا تفوق و طرفداری مرد بر زن وجود ندارد. و نظریات برخی از مردمان شکست خورده، و یا جاهلان و بی خردانیکه از شریعت مطهر اسلامی، و از حکمت این تفاوتها و فروق فطری میان زن و مرد آگاهی نداشته و آنرا درک نتوانسته اند، مورد اعتبار نیست، همچنان کسانیکه از اختلاف در احکام شرعی متعلق به زن، و وظایف و حقوق مسلمی که نظر به سرشت و خلقت آنان

وضع شده است آگاه نیستند، نظریات آنها نیز مداراعتبار نبوده و نیست، و هرگونه دعوایی که مغایر با آنچه باشد که برای زن در شریعت اسلامی محدد و تعیین شده باشد - هرچند این دعوا از جانب دشمن مغرض و یادوست جاهل - دامن زده شود، همه و همه بر تصور های خیالی، و یا عدم آگاهی آنان، و یا بر دلایلی باطل بنا نهاده شده است، و مردود شمرده می شود. چنانکه گفته شده - بطور مثال - برای زن درمسأله میراث، برای مرد دو برابر زن حصه داده می شود یعنی در حالاتیکه زن در قرابت با مرد قرار داشته می باشد نصف حصه به او می رسد نه کامل، پس این نمونه ای از تہجر و فرق گذاری است که بر زن وضع شده است. در جواب میگوییم: این برداشت، از مفهوم مساوات و برابری زن و مرد که اسلام برای شان عنایت فرموده، دور از مفهوم عدلی است که اسلام براساس آن روابط انسانی را پایه گذاری نموده است، باید متوجه

شوند که حقوق نظریه وظایف و مسولیتها تعیین و مقرر گردد. پس
زمانیکه اسلام نفقه زن و پرداخت مهر و دیت و تاوان و نحو آن را
بر مرد ملزم گردانیده، از روی عدل و انصاف شریعت درمسأله
میراث حق مرد را مراعات نموده است، پس هرکسی جامع بودن
احکام شریعت اسلام را نادیده بگیرد، درهمچو لغزش و اشتباه می
افتد. همچنان گفته شده - شمردن شهادت دو زن درمقابل یک
مرد(شهادت دادن دو زن برابر است به شهادت دادن یک مرد) که
این نمای از فرق گذاری میان مرد و زن است. درجواب میگویم:
این ادعا دلیل بر بیخبری وعدم آگاهی ازطبیعت و سرشت زن است
که خداوند ﷻ باحکمتی بزرگی باهمچو صفاتی وی را آفریده
است و ازطبیعت و سرشت زن آنست که شاید در درک حقایق امور،
فراموشی و نارسایی صورت گیرد، پس بخاطر حفظ و حمایت
حقوق، وجود زنی دیگری درگواهی دادن باوی لازم

و ضروریست، خداوند عز و جلاله می فرماید: ﴿أَنْ تَضِلَّ إِحْدَاهُمَا فَتُذَكِّرَ

إِحْدَاهُمَا الْأُخْرَى ۗ﴾ البقرة: ۲۸۲

«اگر یکی از آنها فراموش کرد، آن دیگری به یادش آورد». و اینرا هم باید دانست که گواهی یک زن در مسایل مربوط به خود آنان، مانند رضاعت (مکیدن کودک از غیر مادرش) و اثبات بکارت دختران (دخترشوهر نکرده) و عیوب و علت های داخلی و مستور زن و غیره..... قابل اعتبار است.

و مثال دیگری که شاید گمان و تصور آن در بعضی اذهان ایجاد گردد که گویا میان زن و مرد در مسأله دیت تفاوت گذاشته است، یعنی دیت زن (خون بها یا تاوان) نیم دیت مرد است، در جواب میگوییم: این تصور نادرست زمانی دفع میگردد که دانسته شود بهره و سود دیت را خود مرده - مرد باشد یا زن - نه، بلکه ورثه آنان حاصل

می نماید و ضرر مادی که با ازدست دادن سرپرست و مسئول نفقه، بر ورثه وارد می گردد - که غالباً مردمی باشد - هیچگاهی ضرر آن برابر با مردن شخصی دیگری نیست که نه سرپرست و نه مسئول نفقه آنان. و اما در بقیه قوانین تلافی و تاوان، به شخص متضرر برابر با ضرر وی تعویض داده می شود.

این سخن زمانی تحقق مییابد و برجا خواهد بود که صاحب حق در گرفتن تاوان و غرامت جزوی، خود شخص مصیبت رسیده باشد - زن باشد یا مرد - به عبارت دیگر، دیتی که در بدل ازین رفتن عضوی از اعضای شخص، و زنده ماندن خودش پرداخته می شود، در همچو حالت حکم پرداخت دیت میان زن و مرد مساوی بوده و مقدار آن نظریه اجتهاد فقها تعیین می گردد.

پس امیدواریم مثال های بالا حکمت های راکه در وجود تفاوت و فرق گذاری میان زن و مرد است آشکار ساخته باشد - و این خود

برجسته ترین جواب و مثالی برای آن‌عهده مردمانی باشد که گفته اند: این نمای فرق گذاری است که علیه زن وضع شده است - چنانکه همچو مثالها بیانگر عدل مطلق در تفاوت گذاری بعضی از احکام و قوانین میان مرد و زن را ظاهر ساخته، و موافق و مناسب بودن آنرا با خلقت دقیق ایندو جنس بیان نموده، وهم آهنگی آنرا با اصول و قواعد شرعی ثابت می سازد.

۱- زن با داشتن جسد، فکر، عاطفه و وجدانی خاصی که بر آن آفریده شده است، آماده بر اجرای وظایفی اساسی معینی می باشد که عبارت از مادر شدن وی است، و اگر این وظیفه را انجام ندهد، در حقیقت طاقت و نشاطی که بمنظور هدف معینی آماده و مهیا شده، بیهوده از دست خواهد رفت، و وی را از راه اصیلی که بر آن سرشت شده منحرف میسازد، آری! اگر ضرورت یا نیازی شخصی یا اجتماعی برای کار کردن زن خارج از منزل رونما گردید، اعتراضی

وجود ندارد، اما وادار کردن زن بدون ضرورتی، و تنها بخاطر شهوترانی احمقانه ای که برخی از مردمان این عصر به سبب اوضاع تاریخی و فرهنگی به آن مبتلا گردیده، و یا اینکه میخواهند بیش از حد از همچو وضع لذت برده و بهره مند گردند، پس منتظر طوفانی بربادکننده باشند. این امریست که هرگز از آیین اسلام انتظار قبول آن نمیرود، و اگر روزی اسلام همچو مسایل بیهوده را بپذیرد بدون تردید از مزیت بزرگ خویش دست کشیده است، و این مزیت و برتری همانا حمایت و پشتیبانی از دوجنس بشری - مرد و زن - بوده که تکمیل کننده یکدیگر اند، و بطور کلی، بشریت عبارت از وجود وهستی و نژاد و نسل و توده های وابسته بهم اند.

زن نمیتواند در عین زمان مادر، و نوکر کسی دیگر باشد، و دو وظیفه را با تمام خواسته ها و مطالب آن انجام دهد، اما در مورد ادعای بی موردی که گفته اند پرورش دهندگان و تربیت کنندگان

کودکان (خدمه) این مشکل را حل می نمایند، سخنیست بیهوده که عملی نمودن آن کار ساده نبوده و هنگام آزمون آنرا ثابت کرده نمیتوانند، چنانکه انجام دو وظیفه برای زن مانع برآورده شدن مفهوم فرموده خداوند تعالی ﴿لَيْسَ كُنَّ إِلَيْهَا﴾ الاعراف: ۱۸۹ «تابدان آرام گیرد» که از بزرگترین اهداف ازدواج و زناشوهری و ایجاد خانواده می باشد، میگردد. پس در تولیدات مادی برای بشریت چه سودی خواهد بود- اگر امکان پذیر باشد- درحالیکه ازجانب دیگر، حاصل و فرآورد بشری را در تلف و هلاکت مواجه می سازد؟! اسلام دینی است که سرشت بشری و نیازمندیهای جامعه را همزمان باهم رعایت نموده و زن را به مسئولیت بنیادی و بزرگی که بدوش دارد متوجه می سازد، این مسئولیت نه تنها وظیفه اساسی او، بلکه عبادتی است که بخاطر آن آفریده شده، و بخاطر انجام این وظیفه بزرگ خداوند آنان را از برجستگی و

هوش فوق العاده ای برخوردار نموده است. به همین منظور مرد را بخاطر آماده نمودن نیازمندیهای منزل متکفل ساخته است که هرگز از انجام آن رهایی و خلاصی ندارد این بر آن است تا زن بتواند با فکر آرام و بدون هیچگونه پریشانی و نگرانی در پیشبرد امور منزل فارغ البال گردیده و با تمامی قوت و طاقت، متوجه رعایت تولید انسانی گرانبها شده، و خانه دلخواهش را برای فرزندان و همسر مهیا و آماده نماید. همچنان اسلام به همه امور زن رسیدگی نموده وی را از رعایت و احترام تام برخوردار ساخته است و مرد را در این راستا به تعامل نیک ترغیب و تشویق نموده است. خداوند متعال می فرماید: ﴿وَعَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ﴾ النساء: ۱۹ «و با زنان به وجه پسندیده زندگانی کنید». و پیامبر ﷺ فرموده اند: (بهترین شما کسی است که با خانواده خود رویه نیک دارد) روایت ترمذی. و همچنان فرموده اند: (خواهان رفتار نیک با زنان شوید) روایت مسلم. چنانکه

فرزندان را نیز به احترام و توقیر مادر ترغیب نموده، آنحضرت ﷺ در جواب مردی که پرسید: چه کسی مستحق تر به صحبت من است. فرمودند: مادرت (روایت مسلم).

۴- دین اسلام مرد و زن مسلمان را بر کار و عمل تشویق و ترغیب نموده است، البته با مفهوم شرعی آن نه بر اساس مفهوم نادرستی که از بیرون بر مسلمانان وارد شده است، مرد مکلف به برآورده ساختن احتیاجات و ضروریات خانواده و بنای جامعه است، زن نیز به نوبت خود به امور منزل و ساختن زیربنای جامعه که عبارت از خانواده است مکلف می باشد. چون موضوع مهم است می خواهیم در مورد برداشت نادرستی که در مورد کار و وظیفه زن و بیرون رفتن وی از خانه، میان بسیاری از مردم شایع گردیده، توضیحی دهیم، زیرا زن را مشخص به وظایفی گردانیده اند که در اصطلاح فقها بنام (مزدور خصوصی)، یا (گیرنده مزد در بدل کار)

یا، (کارهای که زن آنرا زیر دست مردی، مانند مزدروی، درمقابل مزدی انجام میدهد، که تنها رابطه مادی آنان را باهم یکجانموده است) ووظایفی را که زن درخانه انجام میدهد مانند: تربیه فرزندان ویا فرمانبرداری و آراسته ساختن برای شوهر، ورسیده گی ورعایت والدین وغیره راکار و وظیفه نمی شمارند، چنانکه غالباً زن بی وظیفه را عقب افتاده وناپکاره شمرده، ونشستن وی را درمنزل عیب دانسته اند. واشتراک نکردن وی در وظایف وکارهای بازاری را، بیکار وتعطیل شدن نیم افرادجامعه تلقی نموده اند، که این نظریه ای نادرست در اذهان بسیاری از مردم - چه عامه ویا روشنفکران - بجز برخی از مردمی که خداوند عز وجل بر آنها رحم نموده، تأثیر گذاشته است، تاجایی که هوش وفکر، وانتخاب دلخواه زنان امروزی این شده که باید بخاطر کار و وظیفه ازمنزل بیرون روند، والا نشستن آنها درمنزل بیکاری محسوب می شود!

لیکن رأی درست اینست که یکی از این دو راه را انتخاب نماید، اینکه مزدور و اجیر در نزد دیگران باشند، و یا اینکه وظیفه اساسی و حقیقی خویش را در منزل بطور آزاد و مستقل انجام دهند.

خللی که در این نظریه وجود دارد اینست که زن را ملزم و ناگزیر میسازد تا بر نفس خود و خانواده و جامعه فشار آورده، و وظیفه آزاد در منزل را به مزدوری دیگران در خارج منزل انتقال دهد، که این عمل در ذات خود، وی را وادار به ظلم در حق خودش، و تقصیر در حق همسر و فرزندان، و در تنگنا قرار دادن مردان در ایجاد وظیفه مناسب می باشد. چنانکه این نظریه سبب افزایش بیکاری در جامعه، و بروز نتایج منفی بزرگی، مانند نا امنی، ضعف اقتصادی، ازدیاد مشکلات اخلاقی، و کاهش فرصت ازدواج، و افزایش زنان بی شوهر و سالخورده می شود، که این تحول بنیادی در وظیفه زن جز هدف فریبنده و خیالی و آفت را محقق نمیسازد،

قابل یادآوریست که تحقیقات و پژوهش های اقتصادی که در یکی از گزارش های مفصلی سازمان ملل متحد در اوایل دهه هشتاد میلادی صورت گرفت - که تا حال رد و تکذیب هم نشده - این بود که بیرون رفتن زن از منزل بخاطر وظیفه و کار اجیرانه، ۴۰٪ هزینه ملی کشور خود را برداشت می نمایند، که این امر مخالف باتبلیغات و رونق نمایی های است که در راه بیرون آمدن زن از خانه بخاطر اجیرکاری جریان دارد، گویا که اقتصاد ملی و محصولات محلی را کمک و رشد می دهد! چنانکه همین گزارش در ماده دیگری می افزاید: (اگر زنان جهان در مقابل سرپرستی خانواده و برپاداشتن کارهای منزل، مزدی بدست آورند، به اندازه نصف هزینه ملی هر کشوری خواهد رسید).

هرگاه زن بر این گمان بوده و اصرار ورزد که وی باید اجیرکار و مزدور دیگران باشد، پس کارهای شایسته و موافق با طبیعت وی

امر است که نیازمندیهای اجتماعی حقیقی، نه خیالی، به آن ضرورت داشته و گاهی هم نیازمندیهای شخصی نیز وی را به آن وامی دارد، البته همچو حالات از نظر شریعت جایز بوده، ما دامیکه مطابق و موازی با ضوابط و مقررات شرعی، و بدون وسعت دادن دامنه آن صورت گیرد.

پس وجود نیازمندیهای اجتماعی و شخصی که گاهی به کار و وظیفه زن نیازی پیدا کند، به این معنا نیست که فرصت کار و وظیفه را برای مرد تنگ نموده و رقابت را آغاز نماید، و یا اینکه در حوزه کار و شغل اساسی خویش سهل انگاری و یا کوتاهی نماید، و این مقام را فرصت مناسبی می بینیم تا جامعه و سازمانهای دولتی را متوجه مسولیت شان ساخته، و در این راستا کوشش جدی به خرج دهند تا نیاز به کار و عمل زن در خارج از منزل را از میان بردارند، و یا حداقل آنرا کاهش دهند، و بلاخره تأثیرات منفی آنرا

فرو نشانند، زیرا معامله و رفتار با زنان کاملاً مانند مردان در وظایف، وساعات کار و مناطقی که وظیفه اجرائی نمایند، ومدت ونوعیت وسال های تقاعد آنان وغیره، بدون اینکه وظیفه اساسی زن در بنای خانواده، وطبیعت وسرشت بشری وی مد نظر گرفته شود، ظلمی آشکاری بوده است، چنانکه تاکید بر آن می نمایم که جامعه ودولت مسولیت علاج فقر که یگانه سبب بروز مشکلات مختلفی که بویژه زنان در جامعه مسلمانان از آن شکایت دارند، حل گردد، زیرا فقرو تنگدستی اکثراً زن را وادار به انجام وظایف نامناسب وغیر موافق با طبیعت آنان میگرداند.

۵- خاطر نشان باید ساخت که مکانیزم و روشهای تعلیمی طرح شده در کشورهای اسلامی، نیاز به تجدید نظر واقدامات جدی در این راه دارد، تاعزت و کرامت شرعی زن دوباره بوی برگردانیده شده، و وی را آماده سازد تا کار و وظایف مناسب و موافق به

طبیعت خویش را بصورت درست انجام دهد، وظایفی که کسی دیگر نمیتواند جای وی را بگیرد، پیشنهاد ما در مورد تجدید نظر در نقشه و روش تعلیم زنان در کشورهای اسلامی بمنظور بر آورده شدن اهداف بنیادی این است که:

- ۱- زنی را تربیت نموده و به جامعه تقدیم نماییم، که پروردگار خویش را بصورت درست عبادت نماید.
- ۲- زنی را تربیت و تقدیم به جامعه نماییم، که فرمانبردار واقعی شوهرش باشد.
- ۳- زنی را تربیت و تقدیم به جامعه نماییم که قادر به تربیت و پرورش درست فرزندان خود باشد.
- ۴- زنی را تربیت و تقدیم به جامعه نماییم که بتواند خانه خود را بشکل خوب و منظم اداره نماید.

۵- زنی را تربیت و تقدیم به جامعه نماییم، که در راه آبادی و بازسازی جامعه خود، دراموری که بوی تعلق میگیرد، سهم فعالی داشته باشد. بدون تردید خللی بزرگی که در روش تعلیمی زن بنظر میخورد اینست که منهج تعلیمی زن و مرد باهم یکسان است البته بگونه ای که وی را آماده به وظایفی می سازد که مرد نیز در آن راستا علم و دانش می آموزد، زیرا طرح و نقشه تعلیمی برای هر دو جنس پی ریزی شده، و هر دو تحصیل یک دانش را در همه مراحل آموزشی طی می کنند که این خود تجاوز بر حق زن بوده و از کرامت و منزلت وی میکاهد، چنانکه وقایعی بسیاری در این عصر رخ میدهد که اکثراً ارتباط مستقیم به این خلل دارد، مانند وجود زنهای بی شوهر، واقع شدن طلاق، نا امیدي و شکست روحی، بسامشکلات خانوادگی دیگر. از اینرو بر افراد جامعه بویژه پیشگامان امت و اهل رأی و نظر لازم است تا در مقابل هرگونه

کوششها و تصامیم و یا تبلیغاتی که بخاطر یکجا بودن ذکور و اناث در مراکز تعلیمی و طبق برنامه تعلیمی واحد چه در اهداف و مقاصد، و یا در طرز و طرح آن صورت میگیرد، ایستاده گی نموده و از آن جلوگیری نمایند، تا از مقاصد والای شریعت اسلامی که مصالحی بی شماری را تأمین و محقق می سازد، حمایت و حفاظت شده، و همزمان مفسد مترقبه دفع و یا کاهش یابد روی هم رفته زندگی شرافت مندانه ای که کرامت و حقوق افراد جامعه در آن مصون و محفوظ باشد ایجاد گردد، همچنان نتایج مثبتی که از جدایی تعلیم دو جنس، و مفسد یکجا بودن آندو، از لابلای تجارب و وقایع بدست آمده است، ثابت و محقق گردیده تا مصداق تعالیم اسلام برای منکران و مخالفان آن روشن و هویدا گردد.

۶- جامعه مسلمانان این مسؤولیت را بدوش دارد تا ظلم و بی دادگری را از همه افراد خویش بر طرف نموده، فرمان الهی را

در مورد تحریم ظلم میان بندگان عملی نمایند، چنانکه پیامبر اکرم ﷺ در آنچه از پروردگارش نقل میکند، روایت شده است که خداوند ﷻ فرمود: (ای بندگان من ظلم و ستم را بر خویش حرام کردم و نیز در میان شما آنرا حرام ساختم، پس به یکدیگر ظلم و ستم نکنید) روایت مسلم. و از زشت ترین ظلمی که میان بندگان رخ میدهد، ظلم بر زنان میباشد، پیامبر گرامی ما ﷺ فرموده اند: (پروردگارا! من گنهکار می دانم کسی را که حق دو ضعیف، زن و یتیم را پایمال کند) روایت نسائی. یعنی از اینکار زشت سخت ممانعت می کنم، متأسفانه ظلم بر زن چه مادر و یا همسر و یا دختر اشکال گوناگونی را بخود گرفته، مانند محروم شدن وی از حقوق مسلمش، توهین به کرامت وی، بی حرمتی در معاشرت با وی، و بهره برادری نادرست از اینکه ضعیف و ناتوان است، که همه نتایج ناگوار بسبب ضعف و کاهش در تعالیم دینی میان مسلمانان

و بروز وسایل و موارد بد اخلاقی، که اینهمه دگرگونی ها حاصل و ثمره دوری از راه و روشی که خداوند عز و جل آنرا وضع نموده میباشد، چنانکه مسلط شدن بعضی از رسم و رواج های غربی در جوامع مسلمانان که در نتیجه پذیرش و تقلید از راه و روش و رسم و رواج زندگی آنان که در کشورهای اسلامی تراوش نموده است، بوده و آثار و مظاهر آن به چشم می خورد، مانند پدیده خشونت خانوادگی، و تحریک مسایل جنسی و خیانت میان زن و شوهر، و اضافه از آن ظلم و بی عدالتی میان همسران، و یا تنگی و تندی بر آنان، و یا خوردن مال آنها به ناحق، و یا تقصیر و کوتاهی در بر آورده نمودن نفقه آنان، و یا پایمال نمودن حقوق و کرامت زنان در وقت طلاق، همچنان ظلم و ستمی که بعضی از پدران در مورد ازدواج دختران جبرا بر آنها روا می دارند و یا هم در مورد تربیت و آموزش آنها توجهی نمی نمایند، و یا تفاوت و فرق

گذاری در تعامل و مصرف میان دختران و پسران، ویا انتخاب شوهر نامناسب به آنان، ویا تأخیر در ازدواج آنها و غیره اشکال و انواع ظلم و ستمی که شریعت غرا آنر مردود می شمارد، همه از فرهنگ و راه و روش غرب الهام گرفته شده که سبب این هرج و مرج و دگرگونی ها و ظلم و تلف حقوق زنها در جوامع مسلمانان گردیده است. پس رفع همچو ظلم و ستم و کاهش آن تا حد امکان مسئولیت و وجیبه شرعی است که باید در راه اصلاح آن اقدامات جدی و عملی صورت گیرد، و حتی فرصت برای اقدامات قانونی و قضایی بر ضد آن داده شود و زمینه بخاطر از بین بردن آن هموار گردد، ویا اینکه بعد از بوقوع پیوستن آن حداقل حل و فصل مناسب طبق مقررات شرعی صورت گیرد، و لازم می بینیم که باید برای وقایه از این گونه حوادث و اوضاع دردآور، برنامه های تربیتی و آموزشی اسلامی و فرهنگی پی

ریزی شده به افراد جامعه تعلیم داده شود تا از مقررات شرعی و احکام آن آگاهی پیدا کرده و آشنایی کامل به حقوق و واجبات شرعی حاصل نمایند و حق خود و حق غیر را طوریکه لازم است بشناسند. این یگانه وسیله ای و قایومی است که می توان از تأثیرات و نظریات ناگوار غربی و شرقی کاست، و تقلید کورکورانه از فرهنگهای غربی مخالف با شریعت و ارزشهای والای اسلام را از بین برد.

۷- همچنان جهانی شدن زندگی اجتماعی و حیات زن از دیدگاه مادی گرای غربی و آزادی در سرمایه، تجاوز واضحی بر حقوق زن در همه جهان، بویژه در کشورهای اسلامی بوده است که عبارتند از:
الف- آنچه در جهت وضع قوانینی که جهانی شدن آنرا میخواهند تعلق می گیرد، به گونه‌ای که براساس فرهنگ میراثی و یکجانبه و تحت نفوذ یک جهت، و کشمکش های حقوقی تاریخی بنا نهاده

شده که مربوط به یک منطقه محدود روی زمین بوده، و هیچ گونه مشابهت فرهنگی و قانونی با اغلب مناطق جهان ندارد.

ب- جهانی شدن قوانین براساس مادی گرایی و نظام سرمایه داری و براساس منفعت بنا نهاده شده است که منافع مادی نسبت به همه چیز اعم از اخلاق و ارزشهای محدود و مقید، حتی از ضوابط وضع شده بخاطر این منافع، مقدم دانسته شده است.

ت- آنچه در مورد رویداد های زندگی متعلق به زن، و حالت وی در غرب ارتباط میگیرد، که از طریق رسانه های خبری و شاهدان عینی، و یا با اطلاع یافتن بر احصایه ها و تحقیقات و گزارشها برملا می گردد. همچو رویدادهای اجتماعی بد و ناگوار، پرده را از چهره حقیقی مبلغان و داعیان جهانی شدن قوانین برمی دارد، هر چند آنها سعی می کنند که آنرا با طوق رنگارنگ دروغین اطلاعاتی، و درخشندگی گیرای حقوق سالاری ساختگی، پوشش داده به

جهانیان نشان می دهند. مگر نمی دانند که آفتاب را به دو انگشت نمی توان پوشید. درحالیکه خشونت های خانواده گی، غصب و تجاوز جنسی حتی به سطح شخصیت های برجسته سیاسی و دینی آنها رو به افزایش است. از یکسو فشار و اجبار کار بر زن درکشور های غربی روز افزون بوده تا لقمه نانی را خود بدست آرد، و ازسوی دیگر پدیده ای که بیشتر رو به افزایش است وجود کودکانی که اصلا بی سرپرست هستند ویا اینکه سرپرست آنها یک نفر است - که از راه آمیزش یک مرد باچند زنی بدنیا آمده اند- با این حال تناسب ازهم پاشیدن خانواده ها نیز گریبانگیر آنان گردیده، و مجتمعات غربی را تهدید می کند، تا بالاخره مجبور شده اند بخاطر جلوگیری از نابودی خانواده بطور کلی، متوسل به تصویب قانون اجتماعی جدیدی شوند، تا مفهوم خانواده ولو بطور شکلی بحالش برگردد، این قانون شامل چند ماده است از جمله:

دوشریک میتوانند بدون عقد نکاح، تازمانیکه خواسته باشند باهم زندگی نمایند، هرچند اگر از یک جنس هم باشند، ازاینرو مفهوم ازدواج همنوع اجتماعی شیوع و افزایش یافته است بطور مثال، در متن گزارش سالانه انستیتوت تحقیقات جمعیت شماری فرانسه که به پارلمان آن کشور پیشکش شده است در متن آن چنین آمده است: (کشور فرانسه در مرتبه چهارم بعد از فنلند و ناروی و سویدن قرار دارد که در این کشورها عقد نکاح روبه کاهش بوده، فرصت را برای روابط آزاد و بدون عقد نکاح باز کرده است، که سالانه ۴۵۰ هزار از اینگونه روابط نامشروع که آنها را ازدواج می نامند، بوقوع می پیوندد، چنانکه معاشرت و آمیزش همیشه و مستمر، بدون عقد نکاح میان هم جنسان، مرد با مرد، و زن با زن، صورت می گیرد که سالانه (۳۰،۰۰۰) از اینگونه روابط میان همجنسان واقع میگردد).

۸- همچنان گرایش دوگانه و پیچیدگی در قانون و مصادرتوجیهی اجتماعی و اخلاقی، جوامع مسلمانان رادرفتنه هاوگمراهی قرارمی دهد، و هویت و شخصیت اجتماعی و فرهنگی آنانرامشکوک ساخته، و راه را برآنان مبهم و تاریک می گرداند، و مردم را از نور فروزان اسلام محروم گردانیده، و آنها را درسرگردانی فکری وگمراهی قرار داده همه امور را به بن بست مواجه می سازد. چنانکه می دانیم که یک جامعه متشکل از حلقه های پیوسته مردم می باشد که برپایه های فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و اخلاقی بنا نهاده شده، و ایجاد هرگونه خللی در یکی از این پایه ها، تأثیربدی بردیگر پایه هاخواهد گذاشت، و این خودسبب میشود تا درمورد اصلاح هرگونه خللی باید دید و نظرشامل داشت، بدین ملحوظ هم آهنگی و پیوستگی قانونی هرپایه آن باید براساس فرامین الهی که امور را در نصاب و جایگاه درستش قرارمی دهد، بنا گذاشته شود، چنانکه

خداوند ﷺ می فرماید: ﴿لَا يَأْتِيهِ الْبَطْلُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَلَا مِنْ خَلْفِهِ تَنْزِيلٌ﴾

مِنْ حَكِيمٍ حَمِيدٍ ﴿فصلت: ۴۲﴾

«باطل از پیش روی آن و از پشت سر آن در آن راه نمی یابد،
فروفرستاده ای از سوی الله ﷻ با حکمت ستوده است.»

لذا باید قوانین و مقررات لادینی سکولرستی از جوامع مسلمانان
برچیده شود، و به بشریت نمونه های عملی و واقعی حقوق
و کرامت انسانی که اسلام به آن تأکید می ورزد، ارایه گردد. و به زن
فضای آزاد فراهم گردد تا از عدل و داد شریعت، و تجلیل و احترامی
که آیین اسلام به آنان قایل است، بهره مند شده، و جلو هرگونه
حماقت و آشفتگی که بر زندهای پابند در دین و ارزشهایش صدمه
وارد می کند، گرفته شود تا بتوانند در مراکز تعلیمی در فضای آرام

به تعلیم خود ادامه بدهند و در آینده مصدر خدمت به جامعه اسلامی و هكذا قادر به تشکیل خانواده با عفت و سالم باشند.

سفارش ها و درخواست ها

۱- مسؤلیت امت و جوامع مسلمانان:

الف: احتراز و باحذر داشتن از متلاشی و منحل شدن شریعت و قانون الهی، چه بطور کلی یا جزوی، و یا بازی کردن با اخلاق و ارزشهای جامعه مسلمانان، زیرا اینکار نه تنها شکست فرهنگی و معنوی بوده، بلکه منجر به مقهور شدن و تسلیم شدن به دشمنان گردیده و سلطان سیطره آنان را بر امت اسلامی تقویت می بخشد.

و اگر همچو فروتنی در مقابل دشمنان صورت گیرد، پس منتظر عقوبت الهی در دنیا و آخرت باید بود، خداوند عز و جل می فرماید:

﴿ فليَحْذَرِ الَّذِينَ يُخَالِفُونَ عَنْ أَمْرِهِ أَنْ تُصِيبَهُمْ فِتْنَةٌ أَوْ يُصِيبَهُمْ عَذَابٌ

أَلِيمٌ ﴿ النور: ۶۳

«پس کسانی که از فرمان او تمرد می کنند، باید بر حذر باشند از آن فتنه ای به ایشان رسد یابه عذابی دردناکی گرفتار شوند».

پیامبر اکرم ﷺ می فرمایند: (خداوند ﷻ غیرت می کند(خشمناک می شود)، و غیرت خداوند در آن وقت است که شخص محرمات خدا را انجام دهد) متفق علیه

ب- حمایت و حفاظت از اخلاق و عفت افراد جامعه، که باید مراجع تعلیمی و وظیفوی در این راستا توجه جدی بخرج دهند. و از وسایل اطلاعاتی و فرهنگی و ترفیهی و غیره در راه حفظ و نگهداشت ارزشهای اخلاقی محیط مسلمانان توجه نموده و گام های مؤثری در این راه بردارند، و از مختلط شدن تعلیم، میان ذکور و اناث و همچنان در ساحات کار جلوگیری به عمل آید، زیرا همچو وقایه از مهمترین وسایل حفظ و حمایت عفت و پاکی و اخلاقیات جامعه بشمار میرود، و این خود مقاومت و ایستادگی و درعین حال ضربه

قویی بر دشمنان بوده و باعث خشی نمودن همه مکاید و توطئه های آنها که بر ضد عفت و حجاب ویلاخره ناموس مسلمانان برراه انداخته اند، می شود، ان شاءالله. چون همه دشمنان در پیمان سرنگونی و ریشه کن نمودن همه اشکال فرق گذاری و تفاوت میان زن و مرد باحمایت و سردمداری سازمان ملل متحد، و با ترکیب و قیافه غربی، جبهه ای مشترکی را تشکیل داده و جنگ قویی را علیه این مبداء گوارا که از جانب خالق بشر تصویب و نازل گردیده، آغاز نموده اند. و خواستار مختلط ساختن زن و مرد در همه عرصه های زندگی هستند و برای تحقیق این هدف شوم شان از هرگونه وسائل شیطانی استفاده می کنند، پس باید جوامع اسلامی بیدار شوند و در پذیرش و افتتاح مؤسسه های غربی محتاط باشند و همه جوانب آنرا قبلا مد نظر بگیرند و یک حد و خط عدم تجاوز را در فعالیتهای آنان تعیین کنند، زیرا مؤسسات و مراکز اطلاعاتی و

تعلیمی و نمایندگیهای سیاحتی و تفریحی و فرهنگی که در کشور های اسلامی به کثرت سرمایه گذاری کرده اند، صرف بخاطر بهبود روابط اقتصادی و یا سیاسی و کمک و همکاری نبوده بلکه فعالیتهای آنان با مقاصد، اهداف، فرهنگ و اخلاق اسلامی کاملا در تضاد واقع شده و خطر بزرگی محسوب می شوند که ارزشهای امت مسلمه را تهدید می کند. و فعلا که آنها کشور های اسلامی را هدف قرار داده اند، نیاز به ایستادن و برخاستن همه مردمان مخلص به دین، از جمله علما، دانشمندان، اندیشمندان، متخصصان علمی، مردمان برجسته، تجار و بلاخره عامه مردم دارد که دوشادوش هم، صاحبان این برنامه ها را اصلاح نموده به راه راست و حق برگردانده، و زن مرد و همه افراد جامعه را از شر آنان نجات دهند.

ج- بر والیان امور مسلمانان واجب است تا دست نادانان و هوس رانان و شهوت پرستانی که در ساحات تعلیمی و یا فرهنگی و یا اطلاعاتی و غیره وظیفه انجام میدهند، کوتاه ساخته، و نگذارند تا حقوق شرعی زنان مؤمن پایمال گردد، همچنان آنانیکه محافل فحشا را طرح ریزی نموده و آنرا برپا نموده و انتشار می دهند و از اینراه لکه بدنایمی را به جوامع اسلامی و ارزشها و آداب آن وارد می کنند و حیثیت و شرف و آبروی همه را می ریزانند تا بتوانند با داران خود را راضی کنند، بیخبر از آنکه خود ایشان به حرام تغذیه شده و مؤسسین پستی و رذالت و فرومایه گی و دیوثی در جامعه به حساب می روند. طبعاً بیشتر شان به سبب جهل و نادانی و یابه سبب فریب خوردن آنها بوده که نه از ارزشهای دین اسلام باخبرند و نه تا الحال معیار و مقیاس ترقی و تمدن حقیقی را درک توانسته اند، پس باید جلوه همچو اشخاص گرفته شود. پیامبر اکرم ﷺ می

فرمایند: «حتما از دست ظالم بگیرید و وی را بسوی حق برگردانید».

روایت ابوداود

د- علماء و دانشمندان و مصلحان جامعه باید در زمینه وجیهه دینی، مسئولیت شرعی خود را در قبال جامعه فراموش نکنند و مردم را به خیرخواهی دعوت کنند و از کارهای ناپسندیده و دارند و هر تحریکی را که از هر جانب مشاهده می کنند ولو که به جهات دیپلماتیک هم ربطی داشته باشد و یا اینکه کوچک بنظر بخورد در هر حالت آنرا نادیده نگرفته در مقابل آن بی تفاوت نمانند بلکه برضد آن عکس العمل جدی از خود نشان بدهند و عواقب همه فعالیتهای مغرضین را به آگاهی مردم برسانند چون واجبات و ضروریات شرعی و حفظ اساسات و شعائر دین از هر چیز مقدم تر است. و به تأکید که در اینگونه حالات ایستادگی و حق را بیان کردن از شیوه های پیامبر ﷺ و صحابه کرام و علمای سلف صالح این

امت است که باید علمای امروز به آنها اقتدا کنند. خداوند عز و جل می

فرماید: ﴿وَلَتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ

الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ﴾ آل عمران: ۱۰۴ «وایدازشما گروهی

باشند که به خیر دعوت کنند و بکار پسندیده امر، و از کار ناپسند منع

کنند و آن گروه ایشانند رستگاران».

و- تأکید بر اینکه پنهان نمودن علم خطر بزرگی است، بویژه

هنگامیکه در بیان و توضیح آن در وقت ضرورت تأخیر صورت

گیرد، خداوند عز و جل میفرماید: ﴿وَإِذْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ

لَتُبَيِّنُنَّهُ لِلنَّاسِ وَلَا تَكْتُمُونَهُ فَنَبَذُوهُ وَرَاءَ ظُهُورِهِمْ وَأَشْرَوْا بِهِ مِنْنَا

قَلِيلًا فَبِئْسَ مَا يَشْتَرُونَ﴾ آل عمران: ۱۸۷

«وایدا کن هنگامی را که خداوند از کسانی که به آنان کتاب داده

شده - یهود و نصاری - پیمان گرفت، که حتما باید آنرا برای مردم

بیان نماید و کتمان‌ش نکنید، پس آن عهد را پشت سر خود انداختند و آن را به بهای ناچیز فروختند، چه بد است آنچه خریدند». خصوصاً هنگامیکه با مبادی دینی و اخلاقی و حقوقی برخوردی صورت گیرد، و خطرناکتر از این، توجیه نمودن تصامیم و مقرراتی که با ارزشهای اجتماعی و شرعی مغایر است، چه این توجیه از روی رغبت باشد و یا از روی بیم و ترس، و یا اینکه توجیه آن بمنظور مصلحت خیالی و بی اساسی که مخالف با نصوص و قواعد شرعی است باشد.

ی- امت باید آگاه باشد بر اینکه ارزش و قیمت فرهنگی و اجتماعی و اخلاقی و حقوقی که بر کشورهای غربی حکم فرماست، بسیار ناچیز بوده با وجود آنهم می خواهند بازور و جبر دولت های غربی آنرا بر جهان نافذ و پخش نمایند، که نه تنها سازگار با سرشت پاک انسانی و قوانین و مقررات درست و صحیح نیست، بلکه اصلاً

بر اساس معیار های فرهنگی میراثی بنا گذاشته شده که پشتیبانی از فرهنگ مخترعان آن نموده، و با فطرت سلیم در بسیاری از احوال در تضاد است. که این خود ایجاب میکند تا در مورد اهلیت و جهانی بودن مبادی حقوقی آن، وصحه گذاشتن بر اینکه کلیه حقوق بر اساس آن پایه گذاری شود، تجدید نظر صورت گیرد، و ما براهمیت این تجدید نظر در مورد حقوق انسان، در پرتو فطرت سلیم و عقل درست و سالم، و فرامین درست و دقیق و بجایی که همه دیانت های آسمانی بر آن اتفاق نظر دارند، تأکید می نماییم، و مطمئنیم که این همه اوصاف جز در مبادی حقوقی آیین اسلام، در دیگر آیینی پیدا نیست، که جای گزین بهتر و کاملتری، که بتواند از ارزش جهانی برخوردار بوده، و معیار و مقیاس کاملی در مورد سرنوشت حقوق انسان را دارا باشد.

مسئولیت زن مسلمان

۱- برزن مسلمان لازم و واجب است تا در پایبندی خویش به دستورهای شریعت مطهر، باوجود فشارهای خصمانه دشمن کوتاهی ننماید، و آنچه دراین راستا بوی تعلق میگیرد اینست که باید پایبندی تام به حجاب شرعی داشته باشد بگونه ای که آنرا فریضه دینی دانسته و به آن افتخارنموده و یقین کامل داشته باشد که خداوند ﷻ در برابر این عبادت، وی را پاداشی بزرگ خواهد داد، و اینرا درک کند که حجاب و درپرده بودن زن مسلمان، بخاطر خشنودی پروردگار مهربان، و حفظ عزت و کرامت وی، و زدودن توهین و تحقیر از اوست.

بدون تردید پایبندی زن های باعفت و پاکدامن به حجاب شان، مطابق مقررات و احکام شرعی، و سفارش نمودن سایر زنان به آن، از مهمترین وسایلی است که جامعه را از رذایل و پلیدی ها محفوظ

نگهداشته، و در مقابل دشمنان نشسته در کمین، و متجاوز بر منافع و مصالح دنیوی و آخروی ما مقاومت می نماید، چنانکه پایبندی و جنگ زدن زن مسلمان به حجابش، جهادی بزرگی - نظریه توانش - حساب می شود، خصوصا در سایه جنگ شعله وری که امروز دشمن علیه این اصل شرعی آنرا افروخته است.

ب- این یک ضرورت اجتماعی است که زن به مسئولیت های اجتماعی خود پی برده، طبق مقررات شرعی، نقش اصلی و حقیقی خود را در جامعه ادا کند. زن مسلمان باید در برداشت مسئولیت اجتماعی خویش سهم فعالی گرفته و نقش ارزنده و حقیقی که در جامعه دارد، از لابلای بندگی واقعی اش به خداوند عز و جل به اجرا در آورد، که از جمله نمای اجتماعی آن، تربیت و پرورش درست فرزندان، سرپرستی شایسته خانواده، و مستقر بودن وی در منزلش است - مگر اینکه بخاطر ضرورتی بیرون آید -، و حیا و حشمت

و ظرافت ادبی شرعی، و حفظ عزت و کرامت و آبروی خویش را مدنظر گرفته بخاطر ضرورتی که از محل اقامت خود خارج شده، آنرا رفع نموده واپس بخانه برگردد و همیشه کوشا باشد تا عفت و پاکیزگی را در جامعه و میان سایر زنان انتشار بدهد و آنرا از لغزش در شر و فساد برحذر نماید، و زنان ثروتمند را از حقوق خداوند و محاسبه الله ﷻ با آنان آگاه ساخته - با آنکه نفقه آنان بردوش شوهرانشان است - تا مبادا مال و دارایی خویش را در راه باطل و یا امور بی ارزش، و یا اسراف در وسایلی که قابل خرید نبوده، آن هم بخاطر رقابت و یا مودپرستی تلف ننمایند، بلکه در راه های خیر و احسان به مردم، و هر آنچه سبب خشنودی خداوند متعال میگردد، بمصرف برسانند. و در خاتمه چیزی مهمی که باید تذکر یابد اینست که باید در ناحیه آموزش زنان توجه جدی صورت گیرد - البته بعد از بررسی علمی - که به خواست و اراده

خداوند، بدینوسیله حرکت بیداری حقیقی زن در جامعه های مسلمانان بسرعت پایدار و برقرار خواهد شد، و تضمین کننده حقوق مسلم وی که خداوند دانا و آگاه بر همه چیز، و قدرتمند و باحکمت، به آنها عطا فرموده خواهد بود، و در راه پیشرفت و انکشاف جامعه نقش فعال و مثبتی واقعی خواهد داشت، بدون طی نمودن مراحل فجیعی که زنان غرب از آن میگذرند، و جامعه را به سرشت و خیمی دچار می کنند. زنان مسلمان با عملی نمودن ارشادات الهی و سنت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نمونه از عدل و انصاف برای کسانی خواهد بودند که خواستار خیراندیشی و صلاح برای زنان جهان اند. بدیهی است که این قضیه به نقشه کشی، و پیمودن مراحل پی در پی، و انجمن و سازمان ها، و برنامه و طرح ریزی متعددی نیاز دارد تا در ایجاد قانون و مقررات مربوط به زنان و تنفیذ آن اقدام صورت گیرد، تا باشد که این سند شرعی در راه تحکیم

بخشیدن یکی از پایه های آن نقش اساسی داشته باشد، لذا برداشتمندان شرعی لازم است تا همگام با اهل اختصاص در زمینه های اجتماعی، اقتصادی و تربیوی و غیره گردهم آمده بر ترکیب و ساختار روشی سالمی مربوط به مسایل زن، چون آموزش، کار، سرگرمی و تفریح و غیره به نتیجه مثبتی رسیده و بخاطر تعیین برنامه های عملی و محقق ساختن این ساختار و ترکیب ها که از احکام شریعت سرچشمه گرفته باشد اقدام نمایند، پس مقرر نمودن طرز عمل های واقعی بمنظور تنفیذ این برنامه ها باید بر دو اساس پایه گذاری شود:

اول: بر اساس مدارک و دلایل شرعی از جمله عقاید و احکام و مقاصد شریعت پایه گذاری گردد.

دوم: هم آهنگی واقعی با مسایل نو و تازه زندگی داشته باشد. تا حمایت درست و سلیم از جامعه مسلمانان تحقق یافته و راه های

سودمندی باز گردد تا مردم از زندگی آرام و مرفه واقعی برخوردار گردند، چنانکه بردانشمندان و متخصصان لازم است که همچو مسایل و امور خطرناک را بدست کسانی نگذارند که از دین خدا و مقاصد شریعت و احکام آن آگاهی ندارند و یا آنعده مردمانی که شکست فرهنگی و معنوی خورده اند، و نباید آنرا تسلیم رویداد هایی امروزی نمایند و نباید بر اساس آن راه های حل مقرر و تعیین گردد که احتمال عدم موافقت با مصالح شرعی، که ضامن خیر اندیشی و خیر خواهی مردم است داشته باشد. همچنان باید این برنامه ها و ساختار آن حاصل علم شرعی درست، و دور از هرگونه اندیشه و تصور های خیالی و وهمی بوده پیش آمد های حیاتی درخور تغیر را، چه در موقع مناسب و یا دشواریها مد نظر گرفته باشد، و از پیشکش نمودن برنامه های نمایشی که تطبیق آن در زندگی روزمره دشوار و سنگین تمام شده، و مردم را به بیراهه می

کشاند، اجتناب صورت گیرد، چنانکه نباید تابع رویداد های بی ثبات گردیده و آنرا با اهداف و مقاصد و احکام شریعت همدوش و در جریان قرار دهد، از اینرو لازم است که شتاب در فراهم نمودن دیدار و مجالس در این باره میان علمای شریعت اسلامی و متخصصان مخلص و دلسوز انجام یابد، تا در روند اصلاح جامعه و سازماندهی درست، و در موارد اقتصادی و تربیوی که بی نهایت مهم و پراهمیت است، بحث و مناقشه صورت گیرد، تا به این وجیه شرعی که گنجایش تاخیر و تعویق را ندارد، اقدام عملی به عمل آید. نکته مهم اینست که باید به کیفیت و آیین مردم داری و آشنایی با وضع زندگی آنان آگاهی داشت - بدون اینکه خیر و شر و یا تضاد آنان با مفکوره و اعتقاد مردم را در نظر گرفت - زیرا امکان دارد با مرور زمان وضع دگرگون گشته و ارزشی را کسب نماید که از جمله تقاضاهای اساسی جامعه شمرده شود و مردم را

بسوی خود فرا خواند، و اینکه چه نتایجی از آن بیار می آید، مسأله جدایی است، آنگاه نه تنها رهنمایی دشوار خواهد بود بلکه مقابله با آن و تغییر جهت دادن نیز کاری مشکلی خواهد شد. و درخاتمه این وثیقه نامه از مرده ای شما را باخبر می سازم که تصمیم و عزم شما را راسختر و قاطع تر ساخته ان شاءالله سبب آماده گی هرچه بیشتر و مزید تان می گردد و آن اینکه دین اسلام در پخش و انتشار میان اقشار و توده های جهانی نسبت به همه ادیان سریع تر بوده - والحمدلله والمنة - کسانی که مشرف به آیین اسلام می شوند بیشتر آنها از کشور های غربی بویژه زنان آنهاست، که با وجود حملات شدید و پیهمی که بمنظور بد نام نمودن اسلام، وزشت جلوه دادن وضع زن در جوامع اسلامی انجام می پذیرد علی الرغم آنها، به ندای اسلام لبیک گفته و به این دین مقدس مشرف می شوند و خداوند متعال شرف ایمان را به آنها عطا می فرماید و آنها

را از این همه رنج و عذاب و زندگی پر مشقت و رقتبار غرب، که سالها در زیر سایه قوانین و مبادی ساخت بشر که از هدایات و رهنمود های ارزشمند اسلام بسیار بدور است زندگی بسرمی برند، رهایی بخشیده و از آزادی و کرامت حقیقی که زیر سایه شریعت و آیین اسلام که از جانب پروردگار جهانیان برای بشریت مقرر شده، احساس تشنگی آنرا می کردند برخوردار گردانند. و صلی الله علی نبینا محمد و علی آله و صحبه اجمعین.

فهرست مطالب

۲.....	مقدمه مترجم.....
۷.....	پیشگفتار.....
۸.....	مقدمه.....
۱۳.....	سرآغاز و مقدمات اساسی.....
۲۸.....	اصول و ضوابط شرعی در مورد حقوق و وظایف زن.....
۵۶.....	بینش و نمای این منشور.....
۸۷.....	سفارش ها و درخواست ها.....
۹۶.....	مسئولیت زن مسلمان.....
۱۰۴.....	فهرست مطالب.....

**Get more e-books from www.ketabton.com
Ketabton.com: The Digital Library**